



مقدمه حقوق



شاپا جایی: ۱۸۴۱-۲۷۸۳
شاپای الکترونیکی: ۱۹۲۲-۲۷۸۳

دوره ۶ - شماره ۱۷ - زمستان ۱۴۰۲

بررسی ضرورت افشاء وجود قرارداد تأمین مالی داوری بین‌المللی توسط شخص ثالث و لزوم صیانت از افشاء سایر اطلاعات
محمد مهدی اسدی

کیفیات مشدده جرم در حقوق کیفری ایران
محمد کمالی، محمد باقر بصیر

مبانی حقوق طبیعی جان لاک و تاثیر آن در کنوانسیون حقوق کودک
محمد مهدی داور، سعیده تسلیمی

قضازدایی؛ نگرشی برای پیشگیری از پایداری بزهکاری نوجوانان
محمد جوان‌بخت، پریسا کریمی، محدثه صادقیان لمراسکی
بررسی مفهوم دارنده سند تجارتي

سارا فرزادی مهر، شاپور محمد حسینی، محمدرضا حقیقی
تأثیر سبک زندگی اسلامی در پیشگیری از جرایم یقه سفیدها: بررسی فقهی و حقوقی

مریم کمائی، زهرا انصاری فر، پیتر گاتسچالک
روش‌های حل و فصل اختلافات در قراردادهای فیدیک
آرمان یعقوبی مقدم، محمد غلام پور ویشکائی، محمد یار ارشدی
واکاوی سیر تکوینی پدیده مجرمانه نسل‌کشی در بستر تاریخی

محمد جوان‌بخت، مینو محمدی، کیومرث کلاتتری درونکلا
نقش قاضی اجرای احکام کیفری در بازدارندگی و فردی کردن مجازات
زهرا نظری

نقد و ارزیابی مسئولیت مدیران در قبال بدهی‌های مالیاتی شرکت بر اساس لایحه قانونی اصلاح قسمتی از قانون تجارت و قانون مالیات‌های مستقیم
نیما رضائی، محمد شجاعی فر، امیرحسین ابوالحسنی

جرائم مالیاتی با دیدگاه کیفر شناختی در حقوق ایران
سیده فائزه فاطمی

مرجع صالح و عنوان خواسته در دعاوی ملی شدن اراضی
مسلم اله یاری

چالش‌های اجرایی دفاتر حمایت از حقوق کودکان و نوجوانان با محوریت نقش دادیار
سید مهدی احمدی، نسترن ارزانیان

تأثیر عدالت ترمیمی و سیاست جنایی بر بزه‌دیدگی جنسی اطفال (از حمایت تا بازپروری)
سید حسین دهقان نیری، مریم مسافری

حق تعیین سرنوشت به مثابه یکی از حقوق بنیادین بشر در خصوص اشخاص ترانجسیتی (با تأکید بر دادنامه صادره از شعبه
سیزدهم دادگاه تجدیدنظر استان مازندران)

محمد سعید حسینی، حشمت رستمی درونکلا، محمد مهدی ساکی، فاطمه دهقان، عباس رضایی گیلانی
حمایت از حقوق فرهنگی زندانیان در اسناد بین‌المللی، منطقه‌ای و نظام حقوقی ایران

مرجان نگهی مخلص آبادی
تحلیل نظام حقوق مالیاتی حاکم بر شرکتهای تجاری

پریسا رضوان، علی زارع
کرامت انسانی در حقوق کیفری و اسناد بین‌المللی

محمد امین ابراهیمی
نقش اموال تملیکی دولت در پیشبرد اهداف اقتصادی: تحلیل قوانین و بررسی موانع و راهکارها

الهام درکی، آپدا مخترع، بهنام رستگاری
موضوعیت و ادله اثبات جرم در قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲

صادق بنی طرفیان جوینزادی
سیاست کیفری افتراقی قانون نیروهای مسلح در قبال فروش اموال و اشیای نظامی

یاسر شاکری



Protection of the Cultural Rights of Prisoners in International, Regional Instruments and Iranian Legal System

حمایت از حقوق فرهنگی زندانیان در اسناد بین‌المللی، منطقه‌ای و نظام حقوقی ایران

Marjan Negahi Mokhlesabadi

Assistant Professor, Department of Law, Faculty of Law and Social Sciences, Payam Noor University, Tehran, Iran

مرجان نکهی مخلص‌آبادی

استادیار گروه حقوق، دانشکده حقوق و علوم اجتماعی، دانشگاه پیام نور، تهران، ایران

m.negahi@pnu.ac.ir

<http://orcid.org/0000-0003-3656-2761>

Abstract



Crime commitment turns the relationship between the law-abiding citizen and the state into an unbalanced relationship between the criminal citizen and the state. The requirement of fairness and the goals of criminal justice is to make the protection of rights in accordance with the process of correction and re-socialization of the criminal, including cultural rights. Considering its importance and efficiency in criminal re-socialization, what place does cultural law have in domestic and international legal documents? The term "cultural rights"; it is a product of the United Nations Charter and an integral part of human rights. The different types of these rights and the guarantees of their general and specific implementation in domestic legal documents including the Constitution, the Executive Regulations of the Organization of Prisons and Security and Educational Measures approved in 2004 and the Charter of Citizen Rights approved in 2015 and international documents including the Universal Declaration of Human Rights, adopted in 1948, International Covenant on Economic, Social and Cultural Rights, adopted in 1966, Optional Protocol to the International Covenant on Economic, Social and Cultural Rights, adopted in 2008, the minimum rules of the United Nations in the treatment of prisoners, adopted in 1955 can be seen.

Keywords: Cultural Rights of Prisoners, Participation in Cultural Life, Access to Science, International and Regional Instruments, Iranian Laws.

چکیده

ارتکاب جرم، رابطه شهروند قانونمدار-دولت را به رابطه نامتوازن شهروند مجرم-دولت تبدیل می‌کند. اقتضای انصاف و اهداف عدالت کیفری، سنگین‌تر کردن کفه پیش‌بینی و حمایت از حقوق تسهیل‌گر و متناسب با روند اصلاح و بازاجتماعی‌سازی مجرم، از جمله حقوق فرهنگی است. حقوق فرهنگی، با توجه به اهمیت و کارآمدی‌اش در بازاجتماعی‌سازی مجرم، در اسناد حقوقی داخلی و بین‌المللی مورد حمایت قرار گرفته است. واژه «حقوق فرهنگی»؛ زاییده منشور ملل متحد و جزء لاینفک حقوق بشر است. گونه‌های مختلف این حقوق و ضمانت‌های اجرای عام و خاص آن در اسناد حقوقی داخلی از جمله قانون اساسی، آیین‌نامه اجرایی سازمان زندان‌ها و اقدامات تأمینی و تربیتی مصوب ۱۳۸۴ و منشور حقوق شهروندی مصوب ۱۳۹۵ و اسناد بین‌المللی از جمله اعلامیه جهانی حقوق بشر مصوب ۱۹۴۸ میلادی، میثاق بین‌المللی حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی مصوب ۱۹۶۶ میلادی، پروتکل اختیاری میثاق بین‌المللی حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی مصوب ۲۰۰۸ میلادی و قواعد حداقل سازمان ملل متحد در رفتار با زندانیان مصوب ۱۹۵۵ میلادی قابل مشاهده است.

واژگان کلیدی: حقوق فرهنگی زندانیان، مشارکت در حیات فرهنگی، دسترسی به علم، اسناد بین‌المللی و منطقه‌ای، قوانین ایران.

<p>ارجاع: نگهی مخلص آبادی، مرجان؛ (۱۴۰۲)، حمایت از حقوق فرهنگی زندانیان در اسناد بین‌المللی، منطقی‌های و نظام حقوقی ایران، تمدن حقوقی، شماره ۱۷.</p>
<p>Copyrights: Copyright for this article is retained by the author (s) , with publication rights granted to Legal Civilization. This is an open-access article distributed under the terms of the Creative Commons Attribution License (http://creativecommons.org/licenses/by/4.0) , which permits unrestricted use, distribution, and reproduction in any medium, provided the original work is properly cited.</p> <div style="text-align: center;">  <p>CC BY NC SA</p> </div>


مقدمه

محکومان به حبس و مجبوسان برخوردار از حقوق بشر و حقوق شهروندی بوده و تحدید این حقوق تنها با محدودیت‌های اندک قانونی امکان پذیر است. حقوق محکومین به حبس و زندانیان در مجموعه‌ای از قوانین، مقررات و اصول پا به عرصه وجود گذاشته و در دوران بازداشت و تحمل حبس لازم الاجرا خواهد بود. مقوله حقوق زندانیان اغلب با زنجیره امنیت قضایی، دادرسی عادلانه، اصل برائت و قانونی بودن جرایم و مجازات‌ها پیوند می‌خورد که حلقه مفقود و مقهور آن حقوق فرهنگی است. این حقوق در ایجاد بستر امن رعایت و احترام به کرامت ذاتی انسان و تنوع فرهنگی اهمیت بسیار دارد. قطعنامه ۱۰/۲۳ شورای حقوق بشر و گزارش نخست گزارشگر ویژه حقوق فرهنگی ملل متحد نیز با توجه به جایگاه مهم حقوق فرهنگی و صرف‌نظر از توسعه نیافتگی، آن را وجه مکمل، جهانی، جدایی‌ناپذیر (shaheed,2009,3/24)) و یکپارچه مقررات بین‌المللی حقوق بشر اعلام کرده است.^۱ علاوه بر این، در مقدمه تفسیر عام شماره بیست و یک کمیته حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی احترام به کرامت انسانی و حمایت از تعامل اجتماعی مثبت میان جوامع متنوع فرهنگی جهان را، مرهون گسترش و رعایت کلیه گونه‌های حقوق فرهنگی دانسته است.^۲ قطعنامه، گزارش و تفسیر عام مذکور بیانگر اهمیت این نوع از

1- A/HRC/31/59. Para. 3-6 & 21-22

2- E/C. 12/GC/21, Committee on Economic, Social and cultural rights, Forty-third session 2-20 November 2009

حقوق است. حقوق فرهنگی، از مؤلفه‌های حقوق شهروندی به شمار می‌آید. تمام شهروندان از جمله زندانی‌ها متمتع از حقوق شهروندی هستند و رعایت حقوق فرهنگی آن‌ها دارای اهمیت است.

اصطلاح «حقوق فرهنگی»، نخستین بار در منشور ملل متحد وارد عرصه ادبیات بین‌المللی شد. این منشور در بند یک ماده سه، همکاری‌های بین‌المللی در مسائل فرهنگی را مورد تأکید قرار داد. پس از آن، در ماده بیست و هفت اعلامیه جهانی حقوق بشر مصوب ۱۹۴۸ میلادی^۳ سازمان ملل متحد به شناسایی و بهره‌مندی از حقوق فرهنگی پرداخته شد. حقوق فرهنگی در سایر اسناد بین‌المللی و منطقه‌ای نیز مورد توجه قرار گرفته است. از آن جمله می‌توان به ماده دو پیمان نامه منع و مجازات نسل‌کشی مصوب ۱۹۴۸ میلادی^۴، ماده یک اعلامیه ملل متحد در حق بر توسعه مصوب ۱۹۶۸ میلادی^۵، ماده سه و ماده پانزده کنوانسیون رفع تمام اشکال تبعیض علیه زنان مصوب ۱۹۷۹ میلادی^۶، اصل دوم اعلامیه مکزیکوسیتی درباره سیاست‌های فرهنگی مصوب ۱۹۸۲ میلادی^۷، ماده بیست و نه کنوانسیون حقوق کودک مصوب ۱۹۸۹ میلادی^۸، اعلامیه و برنامه عمل پکن مصوب ۱۹۹۵ میلادی^۹ و اعلامیه کنفرانس توسعه اجتماعی کینهاگ مصوب ۱۹۹۵ میلادی اشاره کرد.

همچنین، سازمان علمی، فرهنگی و تربیتی یونسکو در اعلامیه‌ها و کنوانسیون‌های متعددی به موضوع حقوق فرهنگی پرداخته است. برخی از این اسناد عبارتند از: کنوانسیون علیه تبعیض در آموزش مصوب ۱۹۶۰ میلادی^{۱۰}، اعلامیه اصول همکاری فرهنگی بین‌المللی یونسکو مصوب ۱۹۶۶ میلادی^{۱۱}، کنوانسیون جهانی کپی رایت مصوب ۱۹۷۱ میلادی^{۱۲}. حقوق فرهنگی پس از دهه ۱۹۹۰ میلادی مورد بررسی عمیق و ریشه‌ای اسناد بین‌المللی یونسکو قرار گرفت و دچار تحول شد. از آن جمله می‌توان به اعلامیه جهانی

3- Universal Declaration of Human Rights, 1948

4- Convention On The prevention and Punishment Of The Crime Of Genocide, 1948

5- Declaration On The Rights to Development, 1968

6- Convention On The Elimination of All Forms Of discrimination Against Women, 1979

7- The Mexico City Declaration On The Cultural Policies, 1982

8- Convention On The Rights Of Child, 1989

9- Beijing Declaration And Platform For Action, 1995

10- Convention Against Discrimination in Education, 1960

11- Declaration Of Principles of International Cultural Co-operation, 1966

12- Universal Copyrights Convention, 1971

آموزش برای همه مصوب ۱۹۹۰ میلادی^{۱۳}، اعلامیه اصول مربوط به مدارا مصوب ۱۹۹۵ میلادی^{۱۴}، اعلامیه جهانی تنوع فرهنگی مصوب ۲۰۰۱ میلادی^{۱۵}، کنوانسیون حمایت از میراث فرهنگی غیرملموس مصوب ۲۰۰۲ میلادی^{۱۶} و کنوانسیون حمایت از ترویج تنوع بیان‌های فرهنگی مصوب ۲۰۰۵ میلادی^{۱۷} اشاره کرد. شورای اروپا نیز از طریق توصیه نامه‌ها به موضوع مقررات زندان‌ها پرداخته است. در سال ۲۰۰۶ میلادی، کمیته شورای وزیران اروپا مقررات زندان‌ها را بازنگری کرد. سیاست شورای اروپا درباره موضوع زندان از طریق توصیه نامه‌هایی صورت گرفت که مهم‌ترین آن‌ها مقررات زندان در اروپا است (Cere, 2006, 56).

با این وجود، برخی صاحب‌نظران «حقوق فرهنگی» را در دسته حقوق بشری می‌دانند که مورد بی‌مهری و غفلت قرار گرفته است (Donders, 2002, 65). مفهوم متغیر «فرهنگ و حقوق فرهنگی» از جمله چالش‌های تعالی حقوق فرهنگی است (Stamatopoulou, 2007, 5). از دیگر چالش‌ها، ابهام موجود در عبارت «مشارکت در زندگی فرهنگی»، جمعی یا فردی بودن این حقوق و محتوا و تعهدات دولت‌ها در جهت اجرای آن‌ها است (Hovarth, 2008, 169). اگرچه، برخی از صاحب‌نظران «حق بر فرهنگ» را حق جمعی و «حق بر هویت فرهنگی» را حق دوجبهی دانسته‌اند. حق بر هویت فرهنگی، از جنبه حق انتخاب افراد در رابطه با چگونگی ارتباط با محیط فرهنگی و یا یک گروه فرهنگی خاص (از جمله مذهبی)؛ جنبه فردی دارد و آنجا که مرتبط با هویت فرهنگی شامل زبان، تاریخ، آیین‌های اجتماعی، مذهبی و ساختارهای درونی اقتدار می‌شود به حق جمعی مبدل می‌شود.^{۱۸}

۱- فرهنگ و حقوق فرهنگی

فرهنگ، واژه‌ای است با دامنه گسترده که تعاریف زیادی برای آن ارائه شده است. می‌توان فرهنگ را نظام واره‌ای دانست مشتمل بر عقاید، ارزش‌ها، رفتار و الگوها.^{۱۹} «استوارت هال»، متخصص مطالعات

13- World Declaration On Education For All, 1990

14- Declaration Of Principles On Tolerance, 1995

15- UNESCO Universal Declaration on Cultural Diversity, 2001

16- Convention For The Safeguarding Of Intangible Cultural Heritage, 2002

17- Convention On the Protection and Promotion of diversity of cultural expressions, 2005

18- Elsa, Stamatopolou, Cultural rights in international law: Article 27 of The Universal Declaration of Human rights and beyond (Leiden and Boston: Martinus Nijhoff, 2007) at 48-50

۱۹- شورای عالی انقلاب فرهنگی، نقشه مهندسی فرهنگی کشور.

فرهنگی، فرهنگ را زندگی زیسته جوامع، طبقه یا گروه‌های ویژه در دوره‌های خاص تاریخ تعبیر کرده است (بهار، ۱۳۹۲، ۳۱). «هرسکویتس»، فرهنگ را بخشی از محیط ساخته شده توسط انسان می‌داند (تریاندیس، ۱۳۸۳، ۲۶). فرهنگ ارتباط نزدیکی با شیوه زندگی اجتماعی، عادات و رسوم و مصنوعات جوامع دارد (گیدنز، ۱۳۷۳، ۳۶). فرهنگ مثلی برساخته از سه ضلع مادی، آفرینندگان فرهنگی و شیوه زندگی است. وجه مادی فرهنگ، دربرگیرنده مجموع میراث مادی بشریت یا گروه‌های خاص آن است. آثار تاریخی ساخته شده توسط بشر در این گروه قرار می‌گیرد. در وجه آفرینندگان فرهنگی، فرهنگ فرآورده فرایند خلاقیت‌های هنری و علمی است. سومین وجه فرهنگ دربرگیرنده شیوه زندگی، مجموعه ویژگی‌های متمایز معنوی، فکری و احساسات جامعه یا جمعی معین است. این وجه مشتمل بر هنر، ادبیات، سبک زندگی، ساختار ارزشی، آداب، رسوم و اعتقادات است.^{۲۰} فرهنگ دربرگیرنده عنصر نماد، باور، تمثال، ارزش، شاخص، تکلیف، فن، رابطه منطقی و گفتمانی، فاعل، فعل ارزشمند و نفع‌شناختی است (چلبی، ۱۳۷۵، ۵۸).

فرهنگ از عناصر سازنده جامعه و زندگی اجتماعی تأثیرگذار بر حیات قوانین و مقررات و مجموعه‌ای از ارزش‌ها، باورها، عقاید، زبان، دانش، هنر، سنت‌ها، نهادها و سبک‌های زندگی است که فرد یا گروه به وسیله آن‌ها کسب هویت انسانی کرده و به هستی و کمال خویش معنا می‌بخشد.^{۲۱} پیروان نظریه نسبت‌گرایی فرهنگی، معتقد به مفهوم گسترده فرهنگ بوده و آن را شامل آداب و رسوم، سنت‌ها، رویه‌های مذهبی و عرفی و ایدئولوژی سیاسی می‌دانند (درخشه و سرخیل، ۱۳۹۳، ۴۶).

با توجه به اثرگذاری و اثرپذیری دوجانبه میان حقوق و فرهنگ، یکی از انتقادات وارد بر این مکتب دیدگاه یکجانبه و تأثیرپذیری یک سویه حقوق از فرهنگ است. اهمیت حق بر فرهنگ و پابندی به آن در ایجاد و بقای هویت فرهنگی و توانایی به کارگیری آموزه‌های فرهنگی و مؤلفه‌های آن نهفته است. در اعلامیه تنوع فرهنگی یونسکو به موارد گوناگونی از جمله دسترسی کلیه فرهنگ‌ها به ابزار بیان، انتشار، تبادل دانش و تسهیل مشارکت در حیات فرهنگی در جهت شناساندن حقوق فرهنگی به عنوان یکی از مؤلفه‌های جدایی‌ناپذیر حقوق مورد تأکید قرار گرفته است (پیروژنیک، ۱۳۹۰). در هیچ یک از اسناد بین‌المللی و حقوق بشری تعریفی از حقوق فرهنگی ارائه نشده است. با این وجود، ردپای آن در بسیاری از

20- UNESCO Universal Declaration on Cultural Diversity, Records of General Conference, Paris, 15 October-3 November, 2001.

21- Fribourgh Declaration on Cultural Rights (FDCRs, 2007: Art. 2 (a1))

اسناد به چشم می‌خورد. این ردپاها قائل به مفهومی فراتر از دین، نژاد و زبان بوده و فرهنگ را برآیند، روند و شیوه زندگی اعلام می‌کنند (صفاری نیا، ۱۳۹۵، ۸۶). می‌توان حقوق فرهنگی را در زمره حقوق بشر نسل دوم قرار داد. بیانیه کنفرانس ژوئیه ۱۹۶۸ میلادی «حقوق فرهنگی به مثابه حقوق بشر»، فرهنگ را بیانگر ماهیت و ذات انسانی و تجربه‌ای می‌داند که تعریف آن دشوار است. فرهنگ مجموع شیوه‌هایی است که انسان زندگی خود را طراحی می‌کند و توانمند ساختن انسان در زیستن و تداوم آن از وظایف اصلی آن به شمار می‌رود.

امروزه حق هویت فرهنگی، حق بر میراث ملموس و ناملموس و آزادی انتخاب یک فرهنگ به عنوان بخشی از حقوق فرهنگی به شمار می‌آید. حق بر هویت فرهنگی، به حق بر مشارکت در زندگی فرهنگی قابل تعبیر است. حمایت از میراث فرهنگی ناملموس از جنبه‌های کلیدی حق هویت فرهنگی است زیرا ایجاد هویت و تداوم آن موجب افزایش احترام به خلاقیت انسان و تنوع فرهنگی می‌شود. این موضوع در کنوانسیون یونسکو در سال ۲۰۰۳ میلادی نیز مورد تأیید قرار گرفته است.^{۲۲} اعلامیه فرایبورگ در زمینه حقوق فرهنگی، این حق را مشتمل بر حق بر آموزش، میراث فرهنگی، مشارکت در پیشرفت‌های علمی و هنری، برخورداری از آزادی اطلاعات و ارتباطات، انتخاب نوع نظام آموزشی از سوی والدین، همکاری‌های فرهنگی در تمام سطوح داخلی و بین‌المللی، برخورداری از پیش شرط‌های ضروری برای حمایت از فرهنگ از جمله حق آزادی بیان و آزادی مذهب بیان کرده است.^{۲۳}

کمیته حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی شورای اقتصادی اجتماعی سازمان ملل متحد در تفسیر عام شماره بیست و یک در سال ۲۰۰۹ میلادی ذیل عنوان «حقوق فرهنگی» تعریفی نوین و گسترده‌تری از فرهنگ ارائه کرد. محققان و متخصصان، تعریف چندگانه از «فرهنگ» و «زندگی فرهنگی» پیشنهاد کرده‌اند. به باور آن‌ها، مراد از «مشارکت در زندگی فرهنگی» در زمان طرح آن، ارجاع به مفهوم مضیق زندگی فرهنگی و شامل «فرهنگ برتر» از جمله هنرهای ادبی و نمایشی، نقاشی و مجسمه سازی، بناهای تاریخی و موزه‌ها است (Donders, 2002, 150). در این مفهوم، مشارکت در زندگی فرهنگی دلالت دارد به دسترسی اقتصادی و عملی به «فرهنگ برتر». در بند دهم تفسیر عام آمده است: «تعاریف متعددی از

22- UNESCO Convention for the safeguarding of intangible cultural heritage, 2003, Paris

23- Fribourg Declaration on cultural rights. Available at www.culturalrights.net/en/documentos.php, 12/07/2018

«فرهنگ» در گذشته مطرح شده و در آینده نیز مطرح خواهد شد. اما، با این وجود، همه آن‌ها به محتوای بسیار متنوع که از مفهوم فرهنگ درک می‌شود، ارجاع می‌دهند.

تفسیر عام شماره بیست و یک، با تکیه بر مفهوم کلی نگر تعریفی گسترده و انسان‌شناسانه از فرهنگ ارائه می‌دهد که دربرگیرنده تمام مصادیق حضور انسان است (Wedeen, 2002, 715). بر این اساس، فرهنگ مشتمل بر سبک‌های زندگی، ادبیات مکتوب و شفاهی، موسیقی و ترانه، ارتباطات غیر کلامی، ارزش‌ها و عقاید، مراسم و آیین‌ها، بازی‌ها و ورزش‌ها، شیوه‌های تولید فناوری، محیط زیست طبیعی و ساخته دست بشر، خوراک، پوشاک و مسکن، عرف‌ها، هنرها و سنت‌هایی که افراد بشر به وسیله آن‌ها هستی را معنادار ساخته و نگرش خویش از جهان هستی را تبیین می‌کند، است.^{۲۴}

در سال ۲۰۱۱ میلادی چهار متخصص حقوق بین‌الملل از سراسر جهان در ماستریخت گردهم آمدند تا مفاد حقوق بشر را در تعهدات فرامرزی کشورها بازگو کنند. ضمن اعلام این که تعداد بی‌شماری از افراد در سراسر جهان قادر به بهره‌مندی از حق آموزش و مشارکت در حیات فرهنگی نیستند در ماده دو اصول ماستریخت در زمینه تعهدات فرامرزی کشورها در رابطه با حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی، تمام کشورها را متعهد به احترام، حمایت و اجرای اصول حقوق بشر در زمینه حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی در خارج از مرزهای کشور خود دانسته است.^{۲۵} در دنیای در حال توسعه حق بر آموزش و پرورش بخش مهمی از حقوق فرهنگی شهروندان را تشکیل می‌دهد (حسینی، ۱۳۴۸، ۱۶۹). از مجموعه اسناد و گزارش‌ها و تعاریف فوق‌الذکر می‌توان مهم‌ترین مؤلفه‌های حقوق فرهنگی را شامل حق بر آموزش، حق بهره‌مندی و حمایت از منافع مادی و معنوی تولیدات علمی، ادبی و هنری اشخاص (حق بر مالکیت فکری) و حق شرکت در زندگی فرهنگی، حق بر بهره‌مندی از منافع و پیشرفت علمی و به کارگیری آن، آزادی در انجام تحقیق علمی و فعالیت‌های خلاقانه، حق بر تفریح و اوقات فراغت دانست (حسینی، ۱۳۴۸، ۱۶۸).

«فریده شهید» گزارشگر حقوق فرهنگی سازمان ملل متحد در سال‌های ۲۰۱۵-۲۰۰۹ میلادی، در گزارش خود در رابطه با حق برابر زنان و مردان در بهره‌مندی از حقوق فرهنگی به حق آزادی بیان، خلاقیت‌های هنری، حق بر علم و فرهنگ و کپی‌رایت اشاره نموده است. به منظور تشریح دقیق‌تر مفهوم

24- CESC, 2009: para 3

25- Maastricht principles on extraterritorial obligations of the states in the area of economic, social and cultural rights, FIAN International, Heidelberg, 2013.

حقوق فرهنگی و مصایق آن به «لیندل پروت» مراجعه می‌کنیم. وی، در حقوق فرهنگی به عنوان حقوق مردم در حقوق بین‌الملل، مصادیق یازده گانه حقوق فرهنگی را تبیین می‌کند: حق بر آموزش، حق بر هویت فرهنگی، برخورداری از توسعه فرهنگی، حمایت از آثار ادبی، هنری و علمی، مشارکت در زندگی فرهنگی جامعه، عدم تحمیل فرهنگ بیگانه، تساوی در برخورداری از میراث مشترک بشریت، حق والدین بر انتخاب نظام آموزشی و تعلیم و تربیت فرزندان، بهره‌مند شدن از میراث فرهنگی، تاریخی و هنری خویش، آزادی بیان و سایر حقوق مرتبط با آن از جمله آزادی مذهب و اجتماعات، حق اقلیت‌ها بر احترام به هویت، زبان، سنت و میراث فرهنگی آن‌ها (Prott, 1988, 98).

حقوق فرهنگی، مجموعه قوانین مدون و نامدون نظام بین‌المللی، عرف‌های بین‌المللی و یا قوانین داخلی کشورها است که به تنظیم روابط میان اشخاص حقیقی و حقوقی در داخل کشورها و خارج از مرزها می‌پردازد. این حقوق در قالب نمادهای عام، فرهنگ، باور، فضائل، ارزش، آرمان، دانش، هنر، فن‌ها و آداب و اعمال جامعه متبلور شده و از یک نسل به نسل دیگر منتقل می‌شود (صفرکوپایه، ۱۳۹۷، ۱۹). با توجه به محتوای اسناد و منابع نامبرده، می‌توان گونه‌های حقوق فرهنگی را مشتمل بر حق بر آموزش، حق بر مشارکت در حیات فرهنگی، حق دسترسی به علم، حق بر مالکیت فکری و حق بر اوقات فراغت و تفریح دانست.^{۲۶}

۲- حمایت‌های عام و افتراقی از گونه‌های حقوق فرهنگی

حقوق فرهنگی و گونه‌های آن در اسناد بین‌المللی و منطقه‌ای و فراملی مورد پذیرش و حمایت قرار گرفته است. ماده ۱۵ میثاق بین‌المللی حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی مصوب ۱۹۶۶ میلادی^{۲۷} به حق بر فرهنگ پرداخته است. افراد بشر دارای حق مشارکت در زندگی فرهنگی، بهره‌مندی از پیشرفت‌های علمی و مجاری آن‌ها، حق دانشمندان و هنرمندان، حق آزادی فعالیت‌های پژوهشی و خلاقانه می‌باشند. برخورداری از حق مشارکت فرهنگی در مفهوم گسترده مشتمل بر حق ذینفع بودن در ارزش‌های فرهنگی ایجاد شده توسط افراد یا اجتماعات می‌باشند. علاوه بر این، کشورهای عضو متعهد شده‌اند بهره‌مندی و مشارکت بدون تبعیض در فعالیت‌های فرهنگی را تضمین نمایند. حقوق فرهنگی اقلیت‌ها و مردم بومی در

۲۶- موضوع حق بر آموزش در مقاله دیگری به طور جداگانه مورد بررسی قرار گرفته است و در این مقاله جایی ندارد.

27- International covenant on Economic, Social and Cultural Rights, General Assembly Resolution 2200A (XXI), 16 December, 1966.

ماده ۲۷ میثاق حقوق مدنی و سیاسی و اعلامیه اقلیت‌های زبانی، مذهبی، نژادی، ملی سازمان ملل متحد و اعلامیه حقوق مردم بومی سازمان ملل متحد مورد توجه قرار گرفته است. ماده ۱۰ میثاق حقوق مدنی و سیاسی، رفتار توأم با انسانیت و احترام را برای محروم شدگان از آزادی مقرر کرده است.

بررسی اسناد منطقه‌ای نیز حاکی از توجه به حقوق فرهنگی است. اگرچه کنوانسیون اروپایی حقوق بشر مصوب ۱۹۵۰ میلادی، به صراحت به موضوع حقوق فرهنگی نپرداخته اما، رویه دیوان اروپایی حقوق بشر در ارتباط با حقوق فرهنگی، اصول مختلف حقوق فرهنگی از جمله احترام به زندگی خانوادگی و خصوصی^{۲۸}، آزادی فکر، عقیده و مذهب^{۲۹}، آزادی بیان^{۳۰} و حق بر آموزش^{۳۱} را شناسایی و مورد تأکید قرار داده است. از دیگر اسنادی که حقوق فرهنگی را مورد پذیرش و تأکید قرار داده می‌توان به منشور اجتماعی اروپا مصوب ۱۹۶۱ میلادی، منشور اروپایی زبان‌های منطقه‌ای یا اقلیتی مصوب ۱۹۹۲ میلادی و کنوانسیون معیار برای حمایت از اقلیت‌های ملیتی مصوب ۱۹۹۴ میلادی اشاره کرد. همچنین، به موجب اعلامیه جهانی حقوق بشر، میثاق بین‌المللی حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی مصوب ۱۹۶۶ میلادی، میثاق بین‌المللی حقوق سیاسی و مدنی و اعلامیه حقوق معلولین کلیه افرادی که از بیماری‌هایی مرتبط با روان رنج می‌برند نیز برخوردار از حقوق فرهنگی هستند.^{۳۲}

حمایت افتراقی از حقوق فرهنگی زندانیان را می‌توان در اسناد مختلفی از جمله قواعد سازمان ملل متحد در زمینه حداقل استاندارد رفتار با زندانیان^{۳۳} و کمیته شورای وزیران اروپا مشاهده کرد. این کمیته در ماده ۱۵ توصیه نامه شماره (R 17-82) به دولت‌های عضو توصیه کرده است تدابیر امنیتی زندان را با حفظ کامل احترام به کرامت انسانی اعمال نمایند و با توجه به حفظ امنیت، برای محبوسین فعالیت‌های سرگرم‌کننده، آموزش و پرورش و آموزش‌های فنی و حرفه‌ای را فراهم آورند. قطعنامه شماره ۱۹۹۰/۲۰ شورای اقتصادی و اجتماعی سازمان ملل متحد نیز به موضوع حقوق فرهنگی پرداخته است. به موجب این قطعنامه، آموزش در زندان‌ها با هدف رشد و کمال فردی زندانی و براساس سوابق فرهنگی، اجتماعی و

۲۸- ماده ۸

۲۹- ماده ۹

۳۰- ماده ۱۰

۳۱- ماده ۲ پروتکل شماره یک

32- UNODC, 2009.

33- United Nations Standard Minimum Rules for the treatment of prisoners, 1955.

اقتصادی او صوت می‌گیرد. کلیه زندانی‌ها از حق آموزش و پرورش، برنامه‌های سواد آموزی، آموزش فنی و حرفه‌ای، فعالیت‌های مذهبی، فرهنگی و ورزشی برخوردار هستند. تأسیس کتابخانه، تشویق زندانی‌ها برای شرکت فعال در برنامه‌های آموزشی و فرهنگی و انتخاب آموزش هدفمند در جهت جذب بازارهای کار نیز در این قطعنامه مورد توجه قرار گرفته است. می‌توان از گروه‌های فرهنگی محلی برای حضور در زندان و برگزاری فعالیت‌های مناسب با همکاری زندانیان بهره گرفت و یا از گروه‌های ویژه مانند سالمندان و معلولان برای تماشای اجرای برنامه‌های فرهنگی و موسیقی مقیمان زندان دعوت به عمل آورد (کوئل، ۱۳۸۴، ۹۰). به موجب اصل اول اصول پایه رفتار با زندانیان نیز به رفتار توأم با احترام به کرامت ذاتی و ارزشمندی آن‌ها تأکید شده است.

در ذیل به بررسی تفصیلی حمایت‌های عام و افتراقی در سطوح بین‌المللی، منطقه‌ای و داخلی پرداخته می‌شود.

۱-۲- حق بر مشارکت در حیات فرهنگی

حق مشارکت در حیات فرهنگی به معنای برخورداری از حق فعالیت و تبیین تنوع فرهنگی و زندگی‌های فرهنگی مهاجران، اقلیت‌ها و مردم بومی است. این گستره می‌تواند حق مشارکت در حیات فرهنگی را با سیاست تنوع فرهنگی پیوند دهد. منشور ملل متحد نخستین بار در بند یک ماده سوم، همکاری‌های بین‌المللی در مسائل فرهنگی را مورد تأکید قرار داده است. به موجب بند یک و بند دو ماده ۲۷ اعلامیه جهانی حقوق بشر هر کس حق دارد آزادانه در زندگی فرهنگی اجتماع شرکت کند، از فنون و هنرها بهره‌مند شود و در پیشرفت علمی و فواید آن سهمیم باشد و منافع مادی و معنوی، آثار علمی، فرهنگی یا هنری اش مورد حمایت قرار گیرد. عبارت زندگی فرهنگی بیانگر تفسیر موسع با هدف بهره‌مندی پیشینه نوع بشر از کلیه حقوق مندرج در مواد یاد شده است. این اعلامیه جهانی بوده و موضوع تفاوت و تنوع فرهنگی در ذات آن مستتر است. گزارشگر سازمان ملل متحد در زمینه حقوق فرهنگی در گزارش ارائه شده به مجمع عمومی سازمان ملل متحد نیز بر این موضوع تأکید داشته است: «جهانی بودن، به مفهوم اسلحه‌ای در مقابل تنوع فرهنگی نیست و تنوع فرهنگی نیز به مفهوم اسلحه‌ای در مقابل جهانی بودن نیست».^{۳۴} عبارت‌های «کرامت»، «آزادی»، «برابری و برادری آحاد بشر» مندرج در مواد نامبرده نیز بیانگر این است که کلیه افراد بشر فارغ از هر نوع تبعیض اعم از جنسیت، قومیت، ملیت، تعارض یا عدم تعارض با قوانین از این حقوق برخوردار می‌باشند.

34- Cultural rights: tenth anniversary report. Report of special rapporteur in the field of cultural rights 25 Feb-22 March 2019, A/HRC/40/53

این حق در دیگر اسناد بین‌المللی از جمله کنوانسیون حقوق کودک^{۳۵}، میثاق بین‌المللی حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی مصوب ۱۹۶۶ میلادی^{۳۶} و کنوانسیون الغای تمام اشکال خشونت علیه زنان مورد حمایت قرار گرفته است.^{۳۷} حق مشارکت در حیات فرهنگی دارای دوجه مثبت و منفی است. وجه منفی و منفعل آن آزادی مشارکت اشخاص بدون مداخله دولت و وجه مثبت و فعال آن دربرگیرنده تعهدات مثبت دولت از جمله تعهد به توسعه سیاست‌های فرهنگی با هدف گسترش دسترسی و مشارکت در حیات فرهنگی است. در دهه‌های اخیر تفسیر موسعی از این حق ارائه شده است. ماده ۱۵ میثاق بین‌المللی حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی مصوب ۱۹۶۶ میلادی در ابتدا به عنوان حق مشارکت در زندگی‌های فرهنگی متنوع تفسیر شده و به تدریج گسترش یافته و به حق بر هویت فرهنگی مبدل شده است. حق بر هویت فرهنگی، به حقوق مرتبط با درک فرهنگی به عنوان دیدگاه جهانی تبلور نوع انسان است که با نیروهای بیرونی تأثیرگذار بر زندگی و اجتماعی رویاروی است.^{۳۸}

به موجب تفسیر عام شماره بیست و یک، حق بر مشارکت در زندگی فرهنگی دارای ارکانی از جمله «موجود بودن کالا و خدمات فرهنگی»، «دسترسی با کالا و خدمات فرهنگی»، «قابلیت پذیرش» و «قابلیت انطباق» است.^{۳۹} مشارکت در حیات فرهنگی شامل حق انسان برای مداخله در آفرینش، بیان احساس مدار، معنوی و مادی جوامع است. اگرچه تفسیر عام از منظر حقوقی سندی الزام آور به شمار نمی‌آید، اما از قدرت معنوی بالایی برخوردار است. تفسیر عام نامبرده، کشورهای عضو را به بسط محتوا و محدوده حق بر مشارکت در حیات فرهنگی فراخوانده است. در این تفسیر مقرر شده است کالاها و خدمات فرهنگی از جمله کتابخانه‌ها، موزه‌ها، تئاترها، سینماها و استادیوم‌های ورزشی برای همگان قابل دسترس باشند تا بتوانند از لذت و منافع آن‌ها بهره‌مند شوند. علاوه بر این، آزادی خلق آثار فرهنگی مورد حمایت قرار گرفته و سانسور فعالیت‌های فرهنگی مبتلور شده در قالب هنر و سایر اشکال آن ملغی شده است.^{۴۰}

۳۵- ماده‌های ۲۹، ۳۰ و ۳۱

۳۶- ماده ۱۵

37- Convention on the Elimination of all Forms of Discrimination Against Women, 1979, Unts13 (Cedaw)

38- CESCR Report on the seventh session (23 November-11 December 1992). UN Doc, E/1993/22,231.

39- E/c. 12/GC/21, para. 16

40- Lisa wedeen, 713-728

ماده ۱۲ اعلامیه آمریکایی حقوق و تکالیف بشر مصوب ۱۹۴۸ میلادی نیز حق همگان بر مشارکت در حیات فرهنگی جامعه، بهره‌مندی از هنر و مشارکت در منافع حاصل از پیشرفت‌های فکری به‌ویژه اکتشافات را مورد تأکید و حمایت قرار داده است. حق بر حمایت از منافع مادی و معنوی ناشی از اختراعات یا هر اثر هنری، علمی و ادبی که خالق آن باشد را دارا است. ماده ۴۲ منشور عربی حقوق بشر، به موضوع حق همگان به مشارکت در زندگی فرهنگی و بهره‌مندی از منافع پیشرفت‌های علمی و اعمال آن پرداخته است. علاوه بر این کشورها را متعهد دانسته به احترام به آزادی تحقیقات علمی و فعالیت‌های خلاقانه و حمایت از منافع مادی و معنوی تولیدات علمی، ادبی و هنری. همچنین، منشور آفریقایی حقوق بشر و ملت‌ها مصوب ۱۹۸۱ میلادی در ماده ۱۷ به حق افراد بر مشارکت آزادانه در حیات فرهنگی جامعه و وظیفه افراد نسبت به حفظ و تقویت ارزشهای فرهنگی آفریقایی مثبت و حمایتگر روابط با دیگر اعضای جامعه با مدارا، گفت‌وگو، مشورت جمعی و ترویج رفاه معنوی جامعه تأکید می‌کند.

نظام حقوقی ایران، حق مشارکت در حیات فرهنگی را در اصول مختلف قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران^{۴۱}، منشور حقوق شهروندی^{۴۲} و مصوبه نقشه مهندسی فرهنگی مصوب ۱۳۹۱ مورد حمایت قرار داده است. برخورداری آحاد ملت از حقوق انسانی، اجتماعی، سیاسی، اقتصادی و فرهنگی در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران مورد تأکید قرار گرفته است.^{۴۳} اگرچه زبان و خط رسمی مشترک مردم فارسی است و مکاتبات رسمی و کتاب‌های آموزشی نیز به این زبان است، استفاده از زبان‌های قومی و محلی در مطبوعات و رسانه‌های گروهی و تدریس ادبیات آن‌ها در مدارس آزاد است.^{۴۴} قانون‌گذار تنها به پیش‌بینی این حق بسنده نکرده است و مقدمات و امکانات لازم جهت بهره‌مندی از این حق را مورد توجه قرار داده است. تمام آحاد ملت از هر قوم و قبیله، صرف‌نظر از رنگ، نژاد، زبان و مانند این‌ها از حقوق مساوی برخوردارند.^{۴۵} برخورداری شهروندان از حق بهره‌مندی از امکانات لازم برای مشارکت در

۴۱- اصل نوزدهم

۴۲- ماده‌های ۹۵ الی ۱۰۳ منشور حقوق شهروندی مصوب ۱۳۹۵

۴۳- اصل بیستم

۴۴- اصل پانزدهم

۴۵- اصل نوزدهم

زندگی فرهنگی، از دیگر حقوق شهروندی است.^{۴۶} احزاب، جمعیت‌ها، انجمن‌های سیاسی، صنفی و اسلامی یا اقلیت‌های دینی شناخته شده آزادند و هیچ کس را نمی‌توان در پیوستن یا عدم پیوستن به آن‌ها مجبور ساخت.^{۴۷} موضوع مورد اهمیت دیگر، حق برخورداری از ارتباطات بین فرهنگی است. این حق مورد غفلت واقع نشده است. شهروندان از هر گروه قومی و مذهبی برخوردار از حق برقراری ارتباطات فرهنگی می‌باشند.^{۴۸} بند نوزدهم اصول سیاست فرهنگی کشور مصوب شورای عالی انقلاب فرهنگی در ۱۳۷۱/۰۵/۲۰ نیز به مشارکت مردم در حیات فرهنگی پرداخته است.

۲-۲- حق دسترسی به علم

از دیگر مؤلفه‌های حق بر فرهنگ، بهره‌مندی بدون تبعیض از حق بر علم برای همگان است. این حق در اسناد بین‌المللی و منطقه‌ای مورد حمایت قرار گرفته است. اعلامیه جهانی حقوق بشر، این حق را با عبارت حق دسترسی و بهره‌مندی از پیشرفت‌ها و منافع علم^{۴۹} مورد شناسایی قرار داده است. میثاق بین‌المللی حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی مصوب ۱۹۶۶ میلادی نیز با عبارت حق بهره‌مندی از پیشرفت‌های علمی و اعمال آن^{۵۰}، حق نامبرده را مورد تأیید و حمایت قرار داده است. مقررات متعدد بین‌المللی و منطقه‌ای بیانگر اجماع گسترده کشورهای درباره تضمین حق بر علم برای همگان است. هر دو سند، این حق را با حق مشارکت در حیات فرهنگی و حمایت از منافع مادی و معنوی منتج از آفرینش‌های هنری، ادبی و علمی پیوند زده‌اند. این حق در قوانین اساسی بسیاری از کشورها از جمله ایران مورد شناسایی و حمایت قرار گرفته است. شورای حقوق بشر در قطعنامه ای^{۵۱} به لزوم تأیید مجدد حق همگان بر مشارکت در حیات فرهنگی و بهره‌مندی از منافع پیشرفت‌های علمی و اعمال آن پرداخته است (Shaheed, 2012, 6).^{۵۲}

۴۶- ماده ۹۹

۴۷- اصل بیست و ششم

۴۸- ماده ۹۷ منشور حقوق شهروندی مصوب ۱۳۹۵

۴۹- ماده ۲۷ اعلامیه جهانی حقوق بشر

۵۰- ماده ۱۵

۵۱- شماره ۱۹/۶

52- Report of the special rapporteur in the field of cultural rights, Farida Shaheed, the right to enjoy the benefits of scientific progress and its applications, human rights council 20 the session, UN General Assembly 14 May 2012, A/HRC/20/26 p. 5&6

در بخش منطقه‌ای نیز اسنادی در این زمینه وجود دارد: حق دسترسی به علم اغلب به عنوان وسیله‌ای برای افزایش درک سایر اقسام حقوق بشر و تبیین نیازهای مشترک همه انسان‌ها تلقی می‌شود. منشور سازمان کشورهای آمریکایی در ماده ۳۸ کشورهای عضو را متعهد به گسترش منافع علم و تکنولوژی از طریق تشویق تبادل و به کارگیری دانش علمی و تکنولوژیک ساخته است. پروتکل الحاقی به کنوانسیون آمریکایی حقوق بشر در ماده ۱۴ در زمینه حقوق فرهنگی به حق دسترسی به علم به زبان مشابه میثاق بین‌المللی حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی مصوب ۱۹۶۶ میلادی پرداخته است. کمیسیون حقوق بشر کشورهای آمریکایی و دادگاه حقوق بشر کشورهای آمریکایی به نیاز فوری ارائه تعریف حق بر علم برای استفاده عملی از آن پرداخته است. ماده ۱۴ پروتکل الحاقی کنوانسیون آمریکایی حقوق بشر در خصوص حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی، پروتکل سان سالوادور، تعهد دولت‌ها به رعایت آزادی پژوهش‌های علمی و فعالیت‌های خلاقانه اشاره دارد. ماده ۱۳ منشور اروپایی حقوق اساسی، تحقیقات علمی بدون محدودیت را مقرر کرده است. در کنوانسیون حقوق بشر و بایومدسین شورای اروپایی به موضوع حق بر علم پرداخته شده است.

حق بر علم و حق بر فرهنگ به هم پیوسته است. قطعنامه‌های^{۵۳} شورای حقوق بشر حق همگان بر مشارکت در زندگی فرهنگی و بهره‌مندی از پیشرفت‌های علمی و به کارگیری آن‌ها را مورد تأکید قرار داده است. شباهت‌های زیادی میان حق بر فرهنگ و علم وجود دارد. هر دو دنباله روی دانش و شناخت خلاقیت انسان در جهان دانا در حال تحول هستند. ارتباط میان حق بر علم و حق بر فرهنگ و مشارکت در زندگی فرهنگی در نشست‌های یونسکو در سال ۲۰۰۹ میلادی در ونیز ایتالیا مورد تأیید قرار گرفته است. این نشست تخصصی دسترسی به پیشرفت‌های علمی را منجر به بهبود جایگاه اقتصادی-اجتماعی افراد و فراهم‌کننده فرصت مشارکت معنادار در زندگی در اجتماعات اعلام کرد (Shaheed, 2012, 23). ماده ۹ منشور اتحادیه آفریقا دستیابی به اهداف شان را مرهون شناسایی همکاری علمی و تکنولوژیکی می‌داند. ماده ۴ و ماده ۱۲ پروتکل حقوق زنان آفریقایی منشور آفریقایی حقوق بشر و ملل ارتقاء آموزش و یادگیری زنان به‌ویژه در زمینه علم و تکنولوژی اشاره کرده است. ماده ۱۳ منشور اروپایی حقوق اساسی، تحقیقات علمی بدون محدودیت را مقرر کرده است. در کنوانسیون حقوق بشر و بایومدسین

شورای اروپایی به موضوع حق بر علم پرداخته شده است.

حق آزادی جریان اطلاعات و دسترسی به آن در ماده ۱۳ و ماده ۱۷ کنوانسیون حقوق کودک و اصول بیست و چهارم و یکصد و هفتاد و پنجم قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران مورد توجه قرار گرفته است. در اجرای ماده ۹ قانون تبدیل شورای سرپرستی زندان‌ها و اقدامات تأمینی و تربیتی کشور به سازمان زندان‌ها و اقدامات تأمینی و تربیتی کشور مصوب ۱۳۶۴، آیین‌نامه اجرایی سازمان زندان‌ها و اقدامات تأمینی و تربیتی در ۱۳۸۴ به تصویب رسید. به موجب آیین‌نامه مذکور، زندانی می‌تواند با موافقت رییس زندان، علاوه بر اجرای برنامه‌های تحصیلی به عنوان فعالیت‌های فردی به مطالعات دانشگاهی، فنی، حرفه‌ای و تحقیقاتی در مؤسسه یا زندان پردازد و لوازم مورد نیاز را با رعایت مقررات داخلی مراکز حرفه‌آموزی، اشتغال یا زندان‌ها با هزینه شخصی و در صورت امکان با هزینه دولت به وسیله مسئولان برنامه‌های آموزشی زندان فراهم نماید.^{۵۴} سازمان زندان‌ها، با هدف آموزش و ترویج کتابخوانی در زندان‌ها و مؤسسات نگهداری و از طریق جلب کمک و همکاری وزارتخانه‌ها، سازمان‌ها و نهادها، به نسبت تعداد مقیمان خود کتابخانه مجهز به کتاب‌های علمی، مذهبی، اخلاقی و فنی در حد نیاز برای مطالعه محکومان ایجاد می‌نماید. مقیمان زندان می‌توانند در ساعات مقرر در کتابخانه به مطالعه پرداخته و یا کتاب به امانت گرفته و بدون عیب و نقص آن را به کتابخانه عودت نمایند^{۵۵} و در غیر این صورت، بنا بر نظر مسئول کتابخانه عهده دار خسارت وارده خواهد بود.^{۵۶} علاوه بر کتاب، دسترسی به مجله‌ها و روزنامه‌های مجاز در دسترس زندانی‌ها خواهد بود.^{۵۷} با هدف تحکیم مبانی دینی محکومان و اجرای مراسم دینی، هنگام پذیرش، دین محکومان به حبس در پرسشنامه‌ای درج می‌شود و با مشارکت وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی تسهیلات لازم برای انجام امور واجب دینی آنان فراهم می‌گردد.^{۵۸} زندانیان پیرو ادیان مورد پذیرش در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران می‌توانند برای انجام فرایض دینی به صورت عمومی و یا انفرادی یک جلد کتاب آسمانی، کتاب دعا، سجاده و مهر نماز

۵۴- ماده ۱۴۳

۵۵- ماده ۱۴۴

۵۶- ماده ۱۴۵

۵۷- ماده ۱۴۶

۵۸- ماده ۱۴۸

نگهداری نمایند. ^{۵۹} با درخواست زندانی و پذیرش رییس زندان، نماینده مذهبی در مؤسسه یا زندان حضور یافته و او را در اجرای آداب و مسائل مذهبی ارشاد می‌نماید. ^{۶۰} محکومان حق دارند از طریق وسایل ارتباط جمعی مجاز از جمله روزنامه‌های کثیرالانتشار، رادیو و تلویزیون درون زندان از اخبار کشور باخبر شوند. ^{۶۱} واحد بازپروری زندان در صورت فراهم بودن امکانات، با انتشار نشریه‌ای به صورت ماهانه اخبار فعالیت‌های بازپرورانه و مقررات انتظامی مؤسسه یا زندان را از طریق مقالات نگاهشته شده توسط محکومین و یا مربی‌ها در اختیار زندانیان قرار می‌دهد. مطالب نشریه تنها در زمینه موضوعاتی با محتوای اخلاقی، تربیتی، علمی، تفریحی و سرگرم‌کننده است. ^{۶۲}

۲-۳- حق بر مالکیت فکری

حقوق مالکیت فکری در مفهوم گسترده به معنای حقوق قانونی منتج از فعالیت‌های فکری در زمینه علمی، ادبی و هنری است. ^{۶۳} این حقوق با هدف حمایت و ترغیب اشخاص به آفرینش‌های خلاقانه، چگونگی بهره‌برداری از آن‌ها را تبیین می‌کند. حقوق مالکیت فکری را می‌توان به دو شاخه مالکیت صنعتی و مالکیت ادبی-هنری تقسیم نمود. ^{۶۴} مالکیت صنعتی، نخستین بار در سال ۱۸۸۳ میلادی و در کنوانسیون پاریس مورد حمایت قرار گرفت. پس از آن، در سال ۱۸۸۶ میلادی کنوانسیون بین‌المللی حمایت از آثار ادبی و هنری ^{۶۵}، به تصویب رسیده و لازم‌الاجرا گردید. برخورداری از منافع مادی و معنوی بشر از مصنوعاتش مورد حمایت دیگر اسناد بین‌المللی نیز قرار گرفته است. از آن جمله، می‌توان به اعلامیه جهانی حقوق بشر و میثاق بین‌المللی حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی مصوب ۱۹۶۶ میلادی اشاره نمود. این اسناد دولت‌های عضو را به اتخاذ تدابیر مقتضی جهت حفاظت، تأمین، توسعه و ترویج مصنوعات ادبی و هنری متعهد نموده‌اند.

۵۹- ماده ۱۴۹

۶۰- ماده ۱۵۰

۶۱- ماده ۱۵۹

۶۲- ماده ۱۶۰

63- Wipo intellectual property hand book, wipo publication No. 489€, second edition 2004, reprinted 2008, p. 3

64- Lea Shaver, The Right to Science and Culture, *Visconsin Law Review*, 2010: 121, p. 154

۶۵- کنوانسیون برن

سرانجام در سال ۱۹۶۷ میلادی کنوانسیون تأسیس سازمان جهانی مالکیت فکری (وایپو)^{۶۶}، در استکهلم به تصویب رسید. این سازمان در سال ۱۹۷۴ میلادی به عنوان یکی از آژانس‌های وابسته به سازمان ملل متحد پذیرفته شد. براساس بند هشتم ماده ۲ کنوانسیون تأسیس سازمان جهانی مالکیت فکری، مصادیق این حقوق عبارتند از: حقوق مرتبط با آثار ادبی، هنری و علمی، اجراهای هنرمندان هنرهای نمایشی، آوانگاره‌ها، برنامه‌های رادیویی و تلویزیونی، کلیه اختراعات ناشی از کوشش بشری، اکتشافات علمی، طرح‌های صنعتی، علائم تجاری، نشان‌های خدماتی، نام‌های تجاری منتخب، حمایت در برابر رقابت‌های ناعادلانه و کلیه حقوق ناشی از فعالیت‌های فکری، صنعتی، علمی، ادبی یا هنری بشر.^{۶۷}

نهاد قانون‌گذاری ایران در فاصله سال‌های ۱۳۱۰ تا ۱۳۹۷ شمسی، سیزده قانون در حوزه مالکیت فکری به تصویب رسانیده است. اولین قانون، در سال ۱۳۱۰ و با عنوان؛ قانون ثبت علائم و اختراعات به تصویب مجلس شورای ملی رسید. پس از آن، قانون حمایت از حقوق مؤلفان، مصنفان و هنرمندان؛ و قانون ترجمه و تکثیر کتب و نشریات و آثار صوتی به ترتیب در سال‌های ۱۳۴۸ و ۱۳۵۲ توسط مجلس نامبرده تصویب شد. پس از انقلاب اسلامی موضوع مالکیت فکری همچنان مورد توجه قانون‌گذار قرار داشت. در سال ۱۳۷۹، مجلس شورای اسلامی قانون حمایت از حقوق پدیدآورندگان نرم افزارهای رایانه‌ای را به تصویب رساند. سرانجام، ایران در سال ۱۳۸۰ به عضویت سازمان جهانی مالکیت فکری درآمد و قانون الحاق ایران به کنوانسیون سازمان جهانی مالکیت فکری به تصویب مجلس شورای اسلامی رسید. سه سال بعد آیین‌نامه اجرایی قانون نامبرده به تصویب هیات دولت رسید. از دیگر اقدامات مجلس شورای اسلامی در راستای حمایت از مالکیت فکری می‌توان به تصویب قانون الحاق ایران به موافقتنامه مادرید در رابطه با ثبت بین‌المللی علائم تجاری و پروتکل‌های مربوط در سال ۱۳۸۲، قانون الحاق ایران به موافقتنامه لیسبون در حمایت از اسامی مبدا و ثبت بین‌المللی آن‌ها در سال ۱۳۸۳ و قانون اجازه الحاق ایران به معاهده همکاری در ثبت اختراعات در سال ۱۳۸۶ اشاره نمود.^{۶۸}

از آنجایی که محکومان به حبس در زمره شهروندان و تابعان حقوق هر کشور به شمار می‌آیند، می‌توان مدعی شد جامعه بین‌المللی و جامعه ایرانی، حق بر مالکیت فکری محبوسین را مورد تأیید و

66- World Intellectual Property Organization

67- Convention on Stablishing the World Intellectual Property Organization, (WIPO) , Stockholm, July 14, 1976.

68- <https://WWW.Justice.ir> (available at 8/12/2019)

حمایت قرار داده است. اجرایی‌سازی این حق از طریق تعامل شخص زندانی با واحد بازپروری زندان و سپری کردن مراحل ثبت آثار زندانیان توسط توسط وزارتخانه‌ها، ادارات و مؤسسات ذیربط صورت خواهد گرفت. به عنوان نمونه می‌توان به اختراع دستگاه نقشه خوان قالی و فرش الکترواپتیکی توسط یکی از محکومین به حبس در زندان اردبیل در سال ۱۳۹۷ اشاره داشت. با حمایت دفتر فرهنگی و اشتغال زندان، نوآوری و قابلیت تجاری‌سازی این اختراع توسط پارک علم و فن آوری استان اردبیل مورد تأیید قرار گرفت و این ابداع به نام فرد زندانی به ثبت رسید.^{۶۹}

۴-۲- حق بر اوقات فراغت و تفریح

اوقات فراغت محدوده زمانی است که فعالیتی برای انجام دادن وجود ندارد و یا آزادانه حق انتخاب هر عملی را داریم که خواستار انجام آن هستیم. نکته مهم در اوقات فراغت، بازآفرینی است. بازآفرینی به معنی استفاده از اوقات فراغت برای سرگرمی، تفریح و مشارکت و خلاقیت است. بسیاری از زندانیان فاقد آگاهی یا مهارت لازم برای بهرمندی از اوقات فراغت و شرکت در فعالیتهای گروهی می‌باشند (Compton & Hormachea, 1979, 11). از مشکلات عمده زندانیان در بازآفرینی، فقدان تنوع است به‌ویژه فقدان فعالیتهایی که عموماً برای خارج از زندان طراحی و سازماندهی شده است (Vaicinniene, 2018). اوقات فراغت، فعالیتهای ورزشی، بازی‌ها، حرکات موزون، تفریح و... از اجزا سازنده سنت و هویت ملت‌ها به شمار می‌آید. برخی از هنجارهای اجتماعی از طریق ورزش همگانی تولید می‌شود. انسان موجودی اجتماعی است و برای شاد بودن نیاز به بازی و ورزش و فعالیت دارد.^{۷۰}

از دیدگاه انجمن بین‌المللی ورزش همگانی، ورزش و فعالیت همگانی جامع و گسترده برای همه سنین و کلیه پایگاه‌های اجتماعی از جمله زندان‌ها و مراکز اصلاح و تربیت مورد تأکید قرار گرفته است.^{۷۱} به موجب سند تحول، تعالی و آینده‌نگری فدراسیون ورزش‌های همگانی، زندان‌ها و مراکز اصلاحی و تربیتی تحت پوشش فعالیت‌ها و ورزش همگانی قرار گرفته‌اند.^{۷۲} در زمینه اجرایی‌سازی این حق تیم بازرسی و نظارت تخصصی فدراسیون برنامه‌ها و فعالیتهای ورزش همگانی را در سازمان

69- <https://WWW.ardabilprisons.ir> (available at 08/12/2019)

۷۰- سند تحول، تعالی و آینده‌نگری فدراسیون ورزش‌های همگانی

۷۱- سند تحول، تعالی و آینده‌نگری فدراسیون ورزش‌های همگانی

۷۲- سند تحول، تعالی و آینده‌نگری فدراسیون ورزش‌های همگانی

زندانیانها و مراکز تربیتی و بازپروری پیگیری و بررسی می‌نماید.^{۷۳} به عبارت دیگر، می‌توان اهمیت برنامه‌های اوقات فراغت را در آموزش، هنجارپذیری، دوری از آسیب‌ها و انحرافات اجتماعی، شادابی روان و سلامت جسم دانست.^{۷۴}

با توجه به این که هدف اصلی از مجازات حبس، اصلاح و بازپروری مقیمان زندان است برنامه‌ریزی مناسب جهت بهره‌مندی از اوقات فراغت و فعالیت‌های تفریحی و ورزشی دارای اهمیت بسیاری است. دسترسی به هوای آزاد و آموزش و انجام تمرین‌های جسمانی و تفریحی با توجه به سن و شرایط بدنی و در اختیار قرار دادن تجهیزات و تأسیسات لازم در این راستا نیز مورد توجه اسناد بین‌المللی قرار گرفته است. نظارت بر رعایت قواعد آموزش‌های فیزیکی و افزایش توان جسمانی، از طریق گزارش و مشاوره مامور مراقبت‌های پزشکی با مدیر زندان صورت می‌گیرد.^{۷۵} همچنین، بازرس به شکایات واصله در رابطه با عدم فراهم‌سازی شرایط فیزیکی و خدمات ورزشی مؤثر بر سلامت جسم و روان نوجوانان رسیدگی کرده و نوجوان حق دارد به صورت محرمانه با بازرس صحبت نماید.^{۷۶}

آیین نامه سازمان زندان‌ها و اقدامات تأمینی و تربیتی نیز هم راستا با مصوبات سازمان ملل متحد تأمین کادر مربی ورزشی و امکانات مربوطه در این خصوص را مورد تأکید قرار داده است.^{۷۷} نیم ساعت ورزش روزانه اجباری در هوای آزاد با در نظر گرفتن شرایط آب و هوایی و فرد زندانی در برنامه‌ریزی روزانه پیش‌بینی شده است.^{۷۸} ایجاد روحیه رقابت ورزشی با هدف شرکت در مسابقات ورزشی یکی دیگر از تمهیدات پیش‌بینی شده در آیین نامه نامبرده است.^{۷۹} در هر زندان در صورت امکان وسایل و امکانات ورزشی و تربیت بدنی از قبیل کادر مربیان ورزشی و تدارک سالن سرپوشیده،

۷۳- سند تحول، تعالی و آینده‌نگری فدراسیون ورزش‌های همگانی

۷۴- گزارش نشست جامعه‌شناسی ورزش و اوقات فراغت جوانان در ایران، ۱۳۹۰، مجله آموزش و تربیت، شماره ۳.

۷۵- ماده‌های ۲۱ و ۲۶ قواعد حداقل رفتار با زندانیان

۷۶- قواعد حداقل سازمان ملل در حمایت از نوجوانان محروم از آزادی

۷۷- ماده ۱۴۶ آیین نامه سازمان زندان‌ها

۷۸- ماده ۱۴۷ آیین نامه سازمان زندان‌ها

۷۹- ماده ۱۵۲ و ۱۴۸ آیین نامه سازمان زندان‌ها

زمین و وسایل لازم برای ورزش‌های فردی و گروهی فراهم می‌گردد.^{۸۰} علاوه بر این، زندانی می‌تواند به پیشنهاد رییس زندان، موافقت مدیرکل مربوط و قاضی ناظر با اجرای تشریفات قانونی و انتظامی در مسابقه‌های ورزشی و فعالیت‌های فرهنگی و مذهبی خارج از زندان شرکت نماید.^{۸۱} پس از پیشنهاد رییس زندان و موافقت مدیرکل و قاضی ناظر، محبوسین دارای حسن رفتار و مطیع مقررات زندان حداقل ماهانه یک مرتبه به نماز جمعه یا تفریح گاه‌های عمومی شهر که از سوی مؤسسه یا زندان به این کار اختصاص داده شده اعزام خواهند شد.^{۸۲} محکومان می‌توانند در اوقات فراغت از برنامه‌های رادیو یا تلویزیون استفاده نمایند.^{۸۳} نمایش فیلم‌های آموزنده و اخلاقی با نظارت معاونت بازپروری زندان یا مؤسسات نگهداری امکان پذیر است.^{۸۴} کلیه محکومین از برنامه‌های بازپرورانه بهره‌مند هستند. عدم شایستگی اخلاقی، نوع و اهمیت جرم ارتكابی، دستور قضایی و مفسده‌آمیز بودن اجتماع آنان با سایر محکومان از موارد تحدید و سلب این حق خواهد بود.^{۸۵}

اولویت‌های فرهنگی اداره کل فرهنگی و تربیتی سازمان زندان‌ها در سال ۱۳۹۶ به ترتیب شامل اولویت امور قرآن، اقامه نماز جماعت، برگزاری کلاس‌های احکام و عقاید توسط روحانی، هیات محبان اهل بیت، امور کتابخانه و کتاب، امر به معروف و نهی از منکر، برپایی مراسم‌ها و مناسبت‌های مذهبی و ملی، مسابقات و جشنواره‌های کشوری، امور نمایشگاهی مانند نمایشگاه قرآن، کتاب، نشریات و مطبوعات اعلام شده است.^{۸۶}

۳- تکالیف دولت‌ها، ضمانت‌های اجرا و مرزهای حقوق فرهنگی

اولین نکته شایان توجه بررسی تکالیف دولت‌ها و ماهیت آن است. وجود حق و ذیحق، نمایانگر وجود تکلیف و مکلف است. مانند بسیاری از اسناد حقوق بشری، در حقوق فرهنگی اشخاص حقیقی ذیحق و

۸۰- ماده ۱۵۱ آیین نامه سازمان زندان‌ها

۸۱- ماده ۱۵۳ آیین نامه سازمان زندان‌ها

۸۲- ماده ۱۵۴ آیین نامه سازمان زندان‌ها

۸۳- ماده ۱۵۶ آیین نامه سازمان زندان‌ها

۸۴- ماده ۱۵۵ آیین نامه سازمان زندان‌ها

۸۵- ماده ۱۵۷ آیین نامه سازمان زندان‌ها

دولت‌ها دارنده تکلیف هستند. به عبارت دیگر، رویکرد این اسناد نسبت به دولت تکلیف مدار و نسبت به اشخاص حقیقی حق محور است. دولت‌های عضو میثاق بین‌المللی حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی مصوب ۱۹۶۶ میلادی متعهد شده‌اند به منظور تحقق کامل حقوق مندرج در میثاق، اقدامات مقتضی از جمله اقدامات تقنینی اتخاذ نمایند.^{۸۷} میثاق با مفروض دانستن انجام تمامی اقدامات، تأکید بیشتری بر موضوع وضع قوانین داشته است. بنابراین، از یک سو ماهیت تکالیف دولت‌های عضو میثاق ایجابی، مثبت و مبتنی بر فعل است^{۸۸} و تضمین این حقوق به موجب بند ششم تفسیر عام شماره بیست و یک، نیازمند اقدامات منفی و مثبت دولت‌ها از جمله عدم مداخله در برپایی مراسم فرهنگی و دسترسی به کالاها و خدمات فرهنگی، تضمین پیش شرط‌های مشارکت، تسهیل و ارتقاء زندگی فرهنگی، دسترسی به کالاهای فرهنگی و محافظت از آن‌ها است.^{۸۹} تعهد دولت‌ها در احترام و حمایت از حقوق فرهنگی تعهد به وسیله و در موضوع ایفاء و اعمال تعهد به نتیجه خواهد بود.

علاوه بر این، دولت‌های عضو میثاق بین‌المللی حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی مصوب ۱۹۶۶ میلادی متعهد شده‌اند به صورت انفرادی یا با کمک‌های اقتصادی و فنی بین‌المللی و با به کارگیری حداکثر منابع موجود در جهت دستیابی پیش رونده و تحقق کامل تعهدات اقدام نمایند.^{۹۰} عبارت «کمک‌های اقتصادی»، بیانگر ماهیت هزینه بر بودن تعهد دولت‌ها است. کمیته بین‌المللی میثاق بین‌المللی حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی مصوب ۱۹۶۶ میلادی، عبارت «به کارگیری حداکثر منابع موجود» را تعهد کمیته اصلی دولت‌های عضو تفسیر کرده است. به موجب تفسیر عام کمیته، عذر دولت عضو در ناتوانی از ایفاء تعهدات تنها در صورتی که بتواند اثبات کند کلیه منابع موجود را برای ایفاء تعهدات به کار گرفته است، مورد پذیرش قرار خواهد گرفت.^{۹۱} با این وجود، اثبات به کارگیری کلیه منابع موجود برای ایفاء تعهدات، رافع مسئولیت دولت‌ها نخواهد بود و دول متعاقد مکلف هستند حقوق پیشینه متناسب با شرایط کشور را تضمین نمایند. همچنین، کمیته نامبرده، عبارت «دستیابی پیش رونده و تحقق

۸۷- ماده ۲

88- E/1991/23, para9& E/GN. 4/1987/17, principle21

89- Committee on Economic, Social and Cultural Rights, 48 session, Geneva 9 may, 2008, Distr. General E/C. 12/40/10. 9may 2008. Comment 21

۹۰- ماده ۲

91- E/1991/23, para 10& E/C. 12/GC/19, para60)

کامل» در ماده ۲ میثاق بین‌المللی حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی مصوب ۱۹۶۶ میلادی را به اقداماتی مستمر و سریع برای تحقق تعهدات تفسیر کرده و اقدامات رو به پس رفت را منع نموده است.^{۹۲} تعهد دولت‌ها در زمینه برخورداری از میثاق بین‌المللی حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی مصوب ۱۹۶۶ میلادی شامل تعهد به احترام، حمایت و اجرای حقوق نامبرده است (Sepulveda Carmona, 2003, 199).

همان‌طور که پیش از این اشاره شد، قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران در چند اصل به حمایت و تأیید گونه‌های حقوق فرهنگی پرداخته است. از ملزومات اجرایی‌سازی این اصول و حمایت از حقوق شهروندی، پرداختن به ضوابط نظم‌دهنده در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران است. تکالیف و تعهدات دولت اعم از «به وسیله» و «به نتیجه»، توسط شهروندان قابل مطالبه است. تعهدات مندرج در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، در زمینه میثاق بین‌المللی حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی مصوب ۱۹۶۶ میلادی بیشتر ایجابی، نیازمند منابع و هزینه بر است. از آن جمله می‌توان به اصول سی ام و سی و یکم قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران اشاره کرد. به موجب این اصول دولت مکلف به فراهم ساختن وسایل آموزش و پرورش رایگان و گسترش آن برای تحصیلات عالی و رسیدن به خودکفایی کشور است. عبارت «گسترش»، دارای ماهیتی پویا و زمان‌مند است و در موضوعات حقوق اساسی و عمومی تعهد به نتیجه به مفهوم تحقق کامل و مستلزم فراهم ساختن بسترهای لازم و مقتضی قانونی، اجرایی و تخصیص بودجه است. به علاوه، در تفسیر مقولات این حقوق از اصول «تفسیر موسع» و «تفسیر به نفع شهروندان» استفاده می‌شود. حمایت از حقوق شهروندان و به‌ویژه افراد زندانی و اجرای آن نیازمند ایجاد نظام حقوقی کارآمد است (اسماعیلی و امین پژوه، ۱۳۹۵، ۷۲).

موضوع قابل توجه دیگر، بررسی میزان الزام آور بودن تکالیف و تعهدات به وسیله، ایجابی و هزینه بر دولت‌ها و ضمانت‌های اجرایی آن‌ها است. اعلامیه جهانی حقوق بشر، بیانیه مجمع عمومی سازمان ملل متحد است. اعلامیه‌ها و اسنادی که در قالب معاهده متبلور نشده‌اند نیز، توانایی ایجاد تعهد الزام آور حقوق بین‌الملل برای کشورها را ندارند. با این وجود، بخش مهمی از روح این حقوق غیرالزام آور، به عنوان بدنه نرم‌های بین‌المللی حقوق بشر در قوانین اساسی بسیاری از کشورها دمیده و در قالب قوانین ملی متولد شده است. مراجع قضایی کشورها نیز با اجرای مفاد قوانین نامبرده به آن‌ها اثر حقوقی می‌بخشند. همچنین، اگرچه تمام کشورها به این میثاق نپیوسته‌اند اما، این حقوق در معاهدات الزام آور دیگری که

اکثر کشورها اعضای آن هستند نیز مندرج شده است. از آن جمله، می‌توان به میثاق بین‌المللی حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی مصوب ۱۹۶۶ میلادی و کنوانسیون حقوق کودک اشاره کرد که حق بر علم و فرهنگ را شناسایی کرده و نسبت به کشورهای تصویب‌کننده قدرت اجرایی دارد. علاوه بر این، کشورها تمایل بیشتری به عضویت در این میثاق پیدا کرده‌اند. از سال ۲۰۱۰ میلادی تاکنون نه عضو جدید به این میثاق پیوسته و از سال ۲۰۰۸ میلادی نیز یکصد و شصت و نه کشور پروتکل اختیاری میثاق را تصویب کرده‌اند.^{۹۳} با توجه به ویژگی‌های ذاتی حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی، تعهدات و تکالیف دولت‌ها سست به نظر می‌رسد اما، می‌توان با ایجاد رژیم حقوقی باثبات به ایجاد ضمانت اجرای قدرتمند اقدام نمود (اسماعیلی و امین پژوه، ۱۳۹۵، ۹۰).

از یک سو واقعی و عملی بودن تکالیف و تعهد دولت‌ها و ضمانت اجرای میثاق بین‌المللی حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی مصوب ۱۹۶۶ میلادی در پروتکل اختیاری این میثاق در سال ۲۰۰۸ میلادی قابل مشاهده و تأمل است. براساس این پروتکل، صلاحیت رسیدگی به شکایت اشخاص حقیقی علیه دولت‌های عضو در صورت نقض حقوق مندرج در میثاق شناسایی شده است. از سوی دیگر، مرجع رسیدگی به تظلمات نیز تعیین شده است. براساس ماده اول این پروتکل، دولت‌های عضو صلاحیت کمیته حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی را در رسیدگی به شکایت علیه خود مورد پذیرش قرار داده‌اند (سادات اخوی، ۱۳۸۷، ۲۲۲).

توجه به این نکته لازم است که کلیه حقوق مندرج در میثاق بین‌المللی حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی مصوب ۱۹۶۶ میلادی به استثنای حق تعیین سرنوشت قابلیت دادخواهی را دارد.^{۹۴} کمیته، تشریفات رسیدگی را پس از دریافت اطلاعات موثق مبنی بر نقض شدید یا سیستماتیک حقوق مندرج در میثاق بین‌المللی حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی مصوب ۱۹۶۶ میلادی به وسیله دولت‌های عضو، آغاز می‌کند.^{۹۵} کشورها برای ارائه و بررسی واقعیت اطلاعات دعوت می‌شوند. کمیته، نتیجه بررسی‌ها را با ارائه توصیه و اظهار نظر برای کشور نامبرده ارسال نموده و شش ماه فرصت داده می‌شود تا مشاهدات شان را برای کمیته ارسال نمایند. به موجب ماده ۱۲ کمیته می‌تواند پس از سپری شدن مهلت شش ماهه از

93- A/HRC/40/53, Cultural rights: Tenth anniversary Report, para. 57

94- E/CN. 4/2006/WG. 23/2, p. 10, para. 19

۹۵- بند دوم ماده ۱۱ پروتکل اختیاری مصوب ۲۰۰۸ میلادی

کشور مذکور برای اطلاع‌رسانی در زمینه اقدامات اتخاذ شده در زمینه پاسخ به تحقیقات دعوت به عمل آورد.^{۹۶} با وجود ظرفیت دادخواهی، اما در بیشتر کشورها برای اجرایی‌سازی مفاد میثاق بین‌المللی حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی مصوب ۱۹۶۶ میلادی در سطح ملی قانونی تصویب نشده و رویه واحدی موجود نیست.^{۹۷} میان قابلیت اثرگذاری پروتکل و اراده و میل دولت‌ها به پذیرش سیستم نظارتی بر خویش، رابطه مستقیم وجود دارد. افزایش اراده و گرایش اعضاء به پذیرش سیستم نظارتی منجر به افزایش اثرگذاری پروتکل و فقدان اراده و گرایش منجر به از اثر انداختن پروتکل خواهد شد (سادات اخوی، ۱۳۸۷، ۲۳۵).

ماهیت الزام آور تکالیف مذکور مورد پذیرش دیوان اروپایی حقوق بشر نیز قرار گرفته است. اگرچه انجمن حقوق بین‌الملل، ارکان معاهداتی را فاقد اختیار صدور تفاسیر الزام آور از مفاد معاهدات حقوق بشری می‌داند.^{۹۸} با این وجود، دیوان تفاسیر عام ارکان معاهداتی را، بیان موثق قانون و هم پایه ارزش رویه قضایی خود می‌داند.^{۹۹} توجه به این نکته نیز ضروری است که با وجود غیرالزام آور بودن توصیه نامه شورای اروپا در زمینه مقررات زندان، بخشی از آن دربرگیرنده رویه قضایی دادگاه حقوق بشر اروپا است که با گزارش‌های کمیسرهای حقوق بشر اروپا تکمیل و ارتقاء یافته است (Cere, 2006, 55)). علاوه بر این، رهنمودهای ماستریخت در نقض حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی^{۱۰۰} نیز در بخش سوم رهنمود شماره پانزده، مسولیت نقض حقوق فرهنگی، اجتماعی و اقتصادی را پیش‌بینی کرده و ناقضان این حقوق را مسئول جبران خسارت وارده می‌داند (Dankwa, 1998, 705). رهنمود شماره شانزده ضمن تأکید بر این موضوع که نقض حقوق نامبرده ممکن است توسط اشخاص حقیقی، سازمان‌ها، مؤسسات و نهادهای دیگر و بدون مشارکت مستقیم و فعال دولت صورت گیرد، با این وجود، ایجاد مکانیزم، ساختار و شیوه‌های دیگر جبران خسارت قربانیان را به عهده دولت نهاده است. در صورت عدم پیش‌بینی مکانیزم و ساختار نامبرده، بالاترین میزان مسولیت نقض این حقوق به عهده دولت است. همچنین، کشورهای عضو

96- Optional protocol to the international covenant on economic, social and cultural rights human rights council, res8/2 of 18 Jun 2008/available 10/5/2018 at https://ohchr.org/en/professional_interest/pages/opcescr.aspx

97- <https://www.ohchr.org/en/hrbodies/cesr/>

98- International Law Association, 2004: para. 18.

99- EctHR, 20 December 2004: paras 29&58, EctHR12 March 2003: para. 61

100- Maastricht Guidelines on Violation of Economic & Social and Cultural Rights, 1997

میثاق بین‌المللی حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی مصوب ۱۹۶۶ میلادی نباید فرد یا گروهی از افراد را که مطالبه‌گر حقوق فرهنگی خویش هستند به مجازات برسانند.^{۱۰۱} نقض حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی قابل رسیدگی در محاکم است.^{۱۰۲} نهادهای قضایی ملی و سایر سازمان‌ها نباید احکامی مبنی بر مصونیت دولت نقض‌کننده حقوق صادر نمایند.^{۱۰۳}

سومین نکته قابل بررسی، بررسی گستره مرزهای حقوق فرهنگی است. ذیحق بودن دربرگیرنده حق ادعا، حق آزادی، حق قدرت و حق مصونیت است. حق ادعا، حق جامع اقتدار است که با ایراد دعوی از طرف صاحب حق در مقابل صاحب تکلیف به صورت بالفعل نمود می‌یابد (طالبی و حسینی نسب، ۱۳۸۸، ۱۶۹). به موجب حق مصونیت، دارنده حق در مقابل قدرت دیگری حقیقتاً بدون تحدید و تغییر خواهد بود (والدرون، ۱۳۷۹، ۹۶). حقوق فرهنگی تا چه اندازه قابل مطالبه و مصون از تحدید و تغییر خواهد بود. اصول لیمبورگ در زمینه اجرایی‌سازی میثاق بین‌المللی حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی مصوب ۱۹۶۶ میلادی،^{۱۰۴} محدودیتی برای اعمال این حقوق نپذیرفته است. محدودیت تنها زمانی قابل قبول خواهد بود که به موجب قوانین داخلی منطقی و غیر تبعیض‌آمیز باشد^{۱۰۵} و به طور شفاف در دسترس افراد باشد.^{۱۰۶} به موجب این اصول، کلیه آحاد جامعه (اعم از اتباع، غیر اتباع، زن و مرد) کشورهای عضو میثاق بین‌المللی حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی مصوب ۱۹۶۶ میلادی بدون تبعیض و به طور مساوی از حقوق نامبرده برخوردار می‌باشند.^{۱۰۷} لیمبورگ اتخاذ ضمانت اجراهای قانونی، مقتضی و مؤثر در برابر اعمال محدودیت‌های غیرقانونی حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی را مورد تأکید قرار داده است.

۱۰۱- رهنمود بیست و یک

۱۰۲- رهنمود بیست و یک

۱۰۳- رهنمود بیست و یک

104- The Limburg Principles on the implementation of the international covenant on economic, social and cultural rights, 1987 (UN Doc. E/CN. 4/1987/17, Annex: and human rights Quarterly, Vol. 9, 1987, pp. 122-135)

۱۰۵- اصول چهارم و هشتم و چهارم و نهم

۱۰۶- اصل پنجاهم

۱۰۷- اصول سی و پنجم، چهارم و دوم و چهارم و پنجم

۱۰۸ همچنین، کشورهای عضو برای اجرای کامل تعهدات شان به اتخاذ اقدامات مقتضی از جمله قانون‌گذاری، اجرایی، اقتصادی، اجتماعی و آموزشی فراخوانده شده‌اند.^{۱۰۹} در این راستا وضع قوانین به تنهایی کافی نبوده و کشورهای عضو متعهد شده‌اند برای تضمین احترام و رعایت این حقوق برای همگان، از نهایت ظرفیت منابع موجود داخلی و یا از کمک‌های بین‌المللی استفاده نمایند.^{۱۱۰}

نتیجه

محکومین به حبس و زندانیان در زمره شهروندان جوامع به شمار آمده و از کلیه حقوق شهروندی برخوردار هستند مگر، مواردی که به موجب قانون استثناء و یا تحدید شده باشد. زندانی، فردی معارض با قوانین است و حق او بر آزادی سلب شده است. اهداف عدالت کیفری و مجازات‌ها، حمایت از حقوق شهروندی و آموزه‌های حقوق بشر و حقوق ایجاب می‌کند کلیه اقدامات لازم و شایسته در جهت پیوند و سازگاری با جامعه، مرتفع ساختن نیازهای انسانی و زندگی توأم با کرامت انسانی و عزت نفس زندانیان اتخاذ شود. یکی از کارآمدترین روش‌ها برای دستیابی به اهداف یاد شده، تصویب و اجرایی‌سازی و نظارت بر اجرای قوانین حامی حقوق فرهنگی زندانیان است. این حقوق در سطوح مختلف بین‌المللی، منطقه‌ای و ملی مورد حمایت‌های عام و خاص قرار گرفته است. به موجب میثاق بین‌المللی حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی مصوب ۱۹۶۶ میلادی افراد بشر اعم از معارض و مطیع قانون، دارای حق مشارکت در زندگی فرهنگی، بهره‌مندی از پیشرفت‌های علمی و مجاری آن‌ها، حق دانشمندان و هنرمندان، حق آزادی فعالیت‌های پژوهشی و خلاقانه می‌باشند. کشورهای عضو متعهد شده‌اند بهره‌مندی و مشارکت بدون تبعیض در فعالیت‌های فرهنگی را تضمین نمایند.

ماده ۱۰ میثاق بین‌المللی حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی مصوب ۱۹۶۶ میلادی، رفتار توأم با انسانیت و احترام را برای محروم شدگان از آزادی مقرر کرده است. بررسی اسناد منطقه‌ای نیز حاکی از توجه به حقوق فرهنگی است. به موجب بند اول و دوم ماده ۲۷ اعلامیه جهانی حقوق بشر هر کس حق مشارکت آزادانه در زندگی فرهنگی اجتماع، بهره‌مندی از فنون و هنرها، سهم شدن در پیشرفت علم و

۱۰۸- اصل پنجاه و یکم

۱۰۹- اصل هفدهم

۱۱۰- اصول هجدهم و بیست و پنجم

مورد حمایت قرار گرفته شدن منافع مادی و معنوی آثار علمی، فرهنگی یا هنری خویش را دارا می‌باشد. حمایت افتراقی از حقوق فرهنگی زندانیان را می‌توان در اسناد مختلفی از جمله قواعد سازمان ملل متحد در زمینه حداقل استاندارد رفتار با زندانیان^{۱۱} و کمیته شورای وزیران اروپا، قطعنامه شماره ۱۹۹۰/۲۰ شورای اقتصادی و اجتماعی سازمان ملل متحد به موضوع حقوق فرهنگی مشاهده کرد.

دولت‌های عضو میثاق بین‌المللی حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی مصوب ۱۹۶۶ میلادی متعهد شده‌اند به منظور تحقق کامل حقوق مندرج در میثاق بین‌المللی حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی مصوب ۱۹۶۶ میلادی، اقدامات مقتضی از جمله اقدامات تقنینی اتخاذ نمایند. تا سال ۲۰۱۹ میلادی شمار کشورهای عضو میثاق بین‌المللی حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی مصوب ۱۹۶۶ میلادی به یکصد و شصت و چهار رسیده است. نهاد تقنینی ایران در سال ۱۳۵۴ شمسی قانون اجازه الحاق به میثاق بین‌المللی حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی مصوب ۱۹۶۶ میلادی را به تصویب رساند. پس از انقلاب اسلامی قانون‌گذار در جهت پابندی و ایفای تعهدات ایجابی و مثبت، حق مشارکت در حیات فرهنگی را در اصول مختلف قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، منشور حقوق شهروندی و مصوبه نقشه مهندسی فرهنگی مصوب ۱۳۹۱ مورد حمایت قرار داده است. برخورداری آحاد ملت از حقوق انسانی، اجتماعی، سیاسی، اقتصادی و فرهنگی در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران مورد تأکید قرار گرفته است. بسیاری از مقوله‌های حقوق فرهنگی زندانیان به صورت افتراقی و ویژه در آیین نامه سازمان زندان‌ها و اقدامات تأمینی و تربیتی مورد حمایت قرار گرفته است.

توسعه و اعمال حقوق فرهنگی با موانعی روبرو است. فرهنگ، حقوق فرهنگی و گونه‌های آن دارای مفهومی متغیر، سیال، گسترده و مبهم است. هیچ یک از اسناد بین‌المللی اقدام به تعریف آن نکرده است. ایجابی و هزینه بر بودن تعهدات دولت‌ها می‌تواند آن‌ها را به ناقضان بالقوه حقوق فرهنگی تبدیل نماید. توجه به این مهم و پیش‌بینی مرجع صالح برای رسیدگی به شکایات اشخاص حقیقی از دولت‌ها در این رابطه مورد غفلت میثاق بین‌المللی حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی مصوب ۱۹۶۶ میلادی قرار گرفته است. زمینه رفع این چالش، با پذیرش صلاحیت رسیدگی به شکایات در پروتکل اختیاری میثاق در سال ۲۰۰۸ میلادی فراهم شده است. از سال ۲۰۰۸ تا سال ۲۰۱۸ میلادی، بیست و

111- United Nations Standard Minimum Rules for the treatment of prisoners, 1955.

چهار کشور مکانیسم نظارتی بر خویش را پذیرفته و به پروتکل اختیاری پیوسته‌اند. آمار بیانگر اراده و تمایل رو به افزایش دولت‌ها در پذیرش مکانیسم نظارتی بر اجرای و حمایت از حقوق فرهنگی همگان است. پیوستن کشورهای بیشتر به پروتکل می‌تواند قدرت اجرایی و حمایت از حقوق فرهنگی شهروندان زندانی و برخوردار از آزادی را افزایش دهد.

گونه‌های مختلف حقوق فرهنگی اگرچه در قالب معاهدات دوجانبه یا چندجانبه تنظیم نشده‌اند، اما مؤلفه‌های آن سازنده بخشی از ارکان معاهدات بین‌المللی و منطقه‌ای بوده و در قوانین اساسی یا ملی کشورها رسوخ کرده است. می‌توان با ایجاد رژیم حقوقی باثبات ضمانت اجراهای قدرتمند ایجاد نمود. دیوان اروپایی حقوق بشر نیز ماهیت الزام آور تعهدات دولت‌ها را پذیرفته است. حقوق فرهنگی مصون از تحدید است. اصول لیمبورگ در زمینه اجرایی‌سازی میثاق بین‌المللی حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی مصوب ۱۹۶۶ میلادی اعمال محدودیت را تنها زمانی قابل قبول می‌داند که به موجب قوانین داخلی منطقی و غیر تبعیض آمیز باشد.

در زمینه تقنینی قوانین موجود در رابطه با حقوق فرهنگی زندانیان در ایران تطابق زیادی با معیارهای بین‌المللی دارد. دولت در زمینه اتخاذ اقدامات تقنینی مقتضی تعهد خویش را ایفاء کرده است. اما، حمایت همه جانبه و تحقق کامل تعهدات نیازمند ایجاد مکانیسم‌های نظارتی بر اجرای قوانین، وجود اراده واقعی و عملی در اجرا، اختصاص بودجه مکفی و ترویج آگاهی و احترام به حقوق همگان به‌ویژه شهروندان محروم از آزادی است.

ملاحظات اخلاقی: موارد مربوط به اخلاق در پژوهش و نیز امانتداری در استناد به متون و ارجاعات مقاله تماماً رعایت گردیده است.

تعارض منافع: تعارض منافع در این مقاله وجود ندارد.

تأمین اعتبار پژوهش: این پژوهش بدون تأمین اعتبار مالی نگارش یافته است.

منابع

فارسی

- اسماعیلی، محسن و امین پژوه، حسین، ۱۳۹۵، تحلیل ماهیت و نظام حقوقی حاکم بر تعهدات دولت در میثاق بین‌المللی

- اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی و قانون اساسی ایران، **فصلنامه دانش حقوق عمومی**، شماره ۱۴.
- بهار، مهری، ۱۳۹۲، **مطالعات فرهنگی اصول و مبانی**، چاپ اول، تهران، انتشارات سمت.
- پیروز، مهرناز، ۱۳۹۰، بیانیه تنوع فرهنگی یونسکو، **مجله رسانه**، شماره ۴۷.
- تریاندیس، هری، ۱۳۸۳، **فرهنگ و رفتار اجتماعی**، ترجمه نصرت فنی، چاپ دوم، تهران، انتشارات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.
- چلبی، مسعود، ۱۳۷۵، **جامعه‌شناسی نظم**، چاپ اول، تهران، انتشارات نی.
- حسینی، غفار، ۱۳۴۸، حقوق فرهنگی چون حقوق بشر، **مجله نامه علوم اجتماعی**، شماره ۳.
- درخشه، جلال و سرخیل، بهنام، ۱۳۹۳، پیشبرد حقوق بشر در عرصه نابرابری‌های اجتماعی اقتصادی (رویکرد فرهنگی)، **مجله مطالعات فرهنگ ارتباطات**، شماره ۲۵.
- سادات اخوی، سیدعلی، ۱۳۸۷، پیش نویس پروتکل اختیاری میثاق بین‌المللی حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی (۴ آوریل ۲۰۰۸)، **فصلنامه مطالعات حقوق خصوصی**، شماره ۴.
- کویل، آندرو، ۱۳۸۴، **رویکرد حقوق بشری به مدیریت زندان**، ترجمه حسن طغرانگار، چاپ اول، تهران، انتشارات وفاق.
- گیدنز، آنتوتی، ۱۳۷۳، **جامعه‌شناسی**، ترجمه منوچهر صبری، چاپ اول، تهران، انتشارات نی.
- صفاری نیا، محیا، ۱۳۹۵، حقوق فرهنگی در نظام بین‌الملل حقوق بشر حق کم شتاب در بستر پرتلاطم، **فصلنامه پژوهش‌های حقوق تطبیقی**، شماره ۲.
- صفرکوپایه، کوروش، ۱۳۹۶، **بایسته‌های حقوق فرهنگی و رسانه**، چاپ دوم، تهران، انتشارات ساکو.
- طالبی، محمدحسین و حسینی نسب، سیدمصطفی، ۱۳۸۸، تبیین حق از دیدگاه هوفلد، **فصلنامه حکومت اسلامی**، شماره ۵۱.
- والدرون، جرمی، ۱۳۷۹، فلسفه حق، ترجمه محمد راسخ، **فصلنامه نامه مفید**، شماره ۲۱.

لاتین

- Elsa, Stamatapolou, Cultural rights in international law: Article 27 of The Universal Declaration of Human rights and beyond (Leiden and Boston: Martinus Nijhoff, 2007).
- Eniko, Hovarth, 2008, 8 Cultural identity and legal status: or the return of the right to have (particular) rights, International Studies in Human Rights, volume 95.
- Handbook on prisoners with special needs, criminal justice handbook series, UN publication, 2009.
- Jean-Paul, Cere, 2006, International journal of criminology, volume 4, number 1, The European Court of human rights and the protection of prisoners' rights.
- Lisa Wedeen, 2002, Conceptualizing culture: possibilities for political scienc, vol. 96.
- Lea Shaver, 2010, the Right to Science and Culture, Wisconsin Law Review.
- Lyndel, Prott, 1988, cultural rights as people rights in the international law, 10 Bulletin of the Australian society of legal philosophy, First edition, edited by craford J, Oxford, clarendon press.
- Magdalena, Sepulveda Carmona, 2003, the nature of the obligations under the International covenant on economic& social and cultural rights, human rights research series, vol. 18.
- M.comton, David & R. Hormachea, Carrol, 1979, Facilitating leisure development on inmates in local and county jails, Center for public affairs, Virginia commonwealth university publication.
- Report of the independent expert in the field of cultural right; Fareeda Shaheed, submitted pursuant to Resolution10/23 of the human rights council A/H. Resolution 1 session 26 March 2009, para 1.
- Report of the special rapporteur in the field of cultural rights, Farida Shaheed, the right to enjoy the benefits of scientific progress and its applications, human rights council 20th session, UN General Assembly 14 May 2012, A/HRC/20/26.
- Report of the special rapporteur in the field of cultural rights: the right to enjoy the benefits of scientific progress and its applications (A/HRC/20/26) 2010).
- science review, American political science Association (publisher).
- Stamatopoulou, Elsa, 2007, Cultural Rights in International Law: Article 27 and beyond, Leiden/ Boston: Martinus Nijhoff Publishing.
- Vaicinniene, Ruta, 2018, Killing the time in prison: purposeful activities and spare time in Lithuanian Correctional facilities, The Journal of power institutions in the post-soviet societies, issue 19.
- Victor Dankwa, 1998, Cees Flinterman and Scott Leckie, Commentary on The Maastricht

Guidelines on Violation of Economic, Social and cultural Rights, human rights quarterly, John Hopkins University Press, Vol 20, Number 3.

- Wipo intellectual property hand book, wipo publication No. 489€, second edition 2004, reprinted 2008.
- Yvonne M. Donders Towards a right to cultural identity? Human rights research series, Vol. 15, 1th edition, 2002.

سندها

- A/HRC/40/53, Cultural rights: Tenth anniversary Report, para. 57.
- Cultural rights: tenth anniversary report. Report of special rapporteur in the field of cultural rights 25Feb- 22March 2019, A/HRC/40/53, A/HRC/31/59. Para. 3- 6 & 21- 22.
- Beijing Declaration and Platform for Action, 1995.
- CESC, 2009, para 3.
- CESCR Report on the seventh session (23 November- 11 December 1992) , UN. Doc, E/1993/22, 231.
- Committee on Economic, Social and Cultural Rights, 48 session, Geneva 9 may, 2008, Distr, General E/C. 12/40/10. 9may 2008.comment 21
- Convention against Discrimination in Education, 1960.
- Convention for the Safeguarding of Intangible Cultural Heritage, 2002.
- Convention on Establishing the World Intellectual Property Organization, (WIPO) , Stockholm, July 14, 1976.
- Convention On the Elimination of All Forms of discrimination Against Women, 1979.
- CONVENTION ON THE ELIMINATION OF ALL FORMS OF DISCRIMINATION AGAINST WOMEN, 1979, UNTS13 (CEDAW).
- Convention On The prevention and Punishment of the Crime of Genocide, 1948.
- Convention On the Protection and Promotion of diversity of cultural expressions, 2005.
- Convention on the Rights of Child, 1989.
- Declaration of Principles On Tolerance, 1995.
- Declaration On The Rights to Development, 1968.
- E/1991/23, para 10& E/C. 12/GC/19, para 60.
- E/1991/23, para9& E/GN. 4/1987/17, principle 21.
- E/1991/23, para9&E/GN. 4/1987/17, principle21&E/C. 12/GC/8, para 20.
- E/C. 12/GC/21, Committee on Economic, Social and cultural rights, Forty- third session 2- 20 November 2009.
- E/c. 12/GC/21, para. 16.
- E/CN. 4/2006/WG. 23/2, p. 10, para. 19.
- EctHR, 20 December 2004: Paras's 29&58, EctHR12 March 2003: para. 61.

- Fribourg Declaration on cultural rights.
rights. net/en/documentos. php,12/07/2018.
- International covenant on Economic, Social and Cultural Rights, General Assembly Resolution 2200A (XXI) , 16 December, 1966.
- International Law Association, 2004, para. 18.
- Maastricht Guidelines on Violation of Economic& Social and Cultural Rights, 1997.
- Maastricht principles on extraterritorial obligations of the states in the Erea of economic, social and cultural rights, FIAN International, Heidelberg, 2013.
- Optional protocol to the international covenant on economic, social and cultural rights (human rights council, res8/2 of 18 June 2008.
- The Limburg Principles on the implementation of the international covenant on economic, social and cultural rights, 1987.
- The Mexico City Declaration on the Cultural Policies, 1982.
- Enesco convention for the safeguarding of intangible cultural heritage, 2003.
- UNESCO Universal Declaration on Cultural Diversity, 2001.
- UNESCO Universal Declaration on Cultural Diversity, Records of General Conference, Paris, 15 October- 3 November, 2001.
- United Nations Standard Minimum Rules for the treatment of prisoners, 1955.
- Universal Copyrights Convention, 1971.
- Universal Declaration of Human Rights, 1948.
- World Declaration on Education for All, 1990.

Legal Civilization

No.17- Winter 2024

ISSN: 2873-1841
ISSN: 2873-1922

An Investigation of the Necessity to Disclose the Existence of Contract in Third Party Funding in International Arbitration and Privilege

Mohammad Mahdi Asadi

Aggravated Qualities of Crime in Iranian Criminal Law

Mohammad Kamali, Mohammadbagher Basir

The Foundations of Natural Rights in John Locke and Its Impact on the Convention on the Rights of the Child

Mohamad Mahdi Davar, Saeideh Taslimi

Decriminalization; an Attitude to Prevent the Persistence of Juvenile Delinquency

Mohammad Javanbakht, Parisa Karimeh, Mohaddeseh Sadeghian Lamraski

Examining the Concept of the Holder of a Commercial Document

Sara Farzadimehr, Shapoor Mohammadhosseini, Mohammadreza Haghighi

The Effect of Islamic Lifestyle in the Prevention of White-Collar Crimes: Legal and Jurisprudential Analysis

Maryam Kamaei, Zahra Ansarifard, Petter Gottschalk

Methods of Resolving Disputes in FIDIC Contracts

Arman Yaghobi Moghadam, Mohammad Gholampour Vishkaei, Mohammad Yararshadi

Examining the Analyzing the Evolution of the Criminal Phenomenon of Genocide in the Historical Context

Mohammad Javanbakht, Minoo Mohammadei, Kiomars Kalantari daroonkela

The Role of the Judge in the Execution of Criminal Sentences in Deterrence and Individualization of Punishment

Zahra Nazari

Criticism and Assessment of Managers' Responsibility for the Company's Tax Liabilities Based on the Legal Bill to Amend a Part of the Commercial Law and the Direct Taxes Law

Nima Rezaei, Mohammad Shojaei Far, Amirhasan Abolhasani

Tax Crimes with an Approach to Penology in Iranian Law

Sayyede Faezeh Fatemi

Competent Authority and Demand Title in Land Nationalization Lawsuits

Moslem Alahyari

Executive Challenges of Children and Adolescent Rights Protection Offices Centered on the Role of Judge

Sayyed Mehdi Ahmadi, Nastaran Arzainan

Environmental Responsibility of Multinational Companies in the Oil Industry with Emphasis on the "Polluter Pays" Principle

Hadi Masoudifar, Fatemeh Naeimi Shamel

The Impact of Restorative Justice and Criminal Policy on Sexual Victimization of Children (from Protection to Rehabilitation)

Sayyed Hosein Dehghan Nayeri, Maryam Mosaferi

The Right to Self-Determination as one of the Basic Human Rights Regarding Transgender People (with Emphasis on the Decree Issued by the 13th Branch of the Court of Appeal of Mazandaran Province)

Mohammad Saied Hosseini, Heshmat Rostami Daroonkela, Mohammad Mehdi Saki, Fatemeh Dehghan, Abbas Rezaei Gilani4

Protection of the Cultural Rights of Prisoners in International, Regional Instruments and Iranian Legal System

Marjan Negahi Mokhlesabadi

Analysis of the Tax Law System Governing Commercial Companies

Parisa Rezvan, Ali Zare

Human Dignity in Criminal Law and International Documents

Mohammad Amin Ebrahimi

The Role of Government-Owned Property in Promoting Economic Goals: Analysis of Laws and Examination of Obstacles and Solutions

Elham Derki, Ayda Mokhtareh, Behnam Rastegari

Subjectivity and Proof of Crime in the Islamic Penal Code Approved in 2012

Sadegh Banitarafian Havizavi

The Differential Criminal Policy of the Armed Forces Law against the Sale of Military Property and Objects

Yasser Shakeri